

افغان مینې مارکیت عرضه ککنده انواع مواد خوراکه وطنی

یگانه مغازهٔ افغانی درمنطقهٔ واشنگتن بزرگ که تازه ترین موادخوراکی، میوه های فصل، نان های تازهٔ وطنی، روت ها، میوه های خشک تازه وارد از افغانستان، وگوشت های تازهٔ مرغ، بره، گوسفند، گوساله و گاو را با بهای مناسبت تقدیم میکند ارسال پول به همه دنیا بزودترین فرصت با **Western Union** 6566 Backlick Rd.Springfield, VA 22150 Tel:703-644-0186 Celf:703-499-3313

تاکیدسناټوران امریکلیر سرکوب هر اس افگنان

٦جولای/واشگتن – تلویزیون نور: شماری ازنساتوران امریکایا دشوارخواندن وضعیت درافغانستان از رییس جمهورامریکایخواهند به نیروهای امریکامستقردر افغانستان اجازه ددهد.تاز تمام تواناییهای نظامی خود علیه هراس افگنان استفاده کنند. جان مکین رییس کمیته خدمات سناگفت خروج سربازان امریکاز افغانستان سبب خواهد شد تا هراس افگان باردیگرافغانستان رابه یک پایگاه امن تبدیل کنند. مکین میگوید:”خروج سربازان امریکازافغانستان به معنی فراموش کردن عبرت ازحادثه ١١سپتمبراست. امریکا نباید افغانستان را فراموش کند. خروج سربازان امریکاز افغانستان سبب خواهدشد تا تندروان یک بار دیگر افغانستان را به پایگاه امن برای فعالیتهای تخریبی شان مبدل کنند. لینزی گرام دیگرسناتوامریکاز اوایما میخواهد که شمارسربازان امریکادرافغانستان راکاهش ندهد. بگفته او:”رییس جمهوراویاما، بایدبه مشوره فرماندهان نظامی گوش داده وشمارکنونی سربازان امریکارا درافغانستان حفظ کند تا در مورد ادامه حضور آنان رییس جمهورآینده تصمیم بگیرد.

این سناتوران درحالی ازوضع بدامنیتی افغانستان ابراز نگرانی میکنند که قرارست اجلاس سران ناټو در وارسا، پایتخت پولندتاجهاروزدیگر بر گزارشودو افغانستان در صدر اجندای این نشست قرارخواهدداشت.

پنجاه طلبک در ر افستان کشته شندن

٣جولای/بدخشان– تلویزیون نور:در پی عملیات هوایی نظامیان درولایت بدخشان ٥٠طلب کشته شده و٢٢طالب زخم برداشتند. فرمانده لوی دوم فرقه ٢٠ پامیرمیگویداین عملیات درولسوالی راغستان انجام شده وسه سردسته طالبان درمیان کشته شدگان شامل اند. این عملیات تهاجمی، ازطریق زمین وهوا دوروز قبل آغاز شده و اکنون نیز ادامه دارد و مخالفان مسلح، از مرکز ولسوالی، عقب زده شده اند.

مسوول رسانه ای قول اردوی ٢٠١میگوید ممتاز میاخیل معاون والی نامتاهد طالبان برای ولایت کابل و١٧طالب دیگردرپی حمله هوایی نظامیان درولسوالی حصارک ولایت ننگرهار کشته شده اند. در همین حال قول اردوی ٢٠٣ تندر خبر می دهد که در پی عملیات هوایی نظامیان کشور در ولسوالی آب بند ولایت غزنی سیزده طالب کشته و دوطالب زخم برداشته اند. به گفته مسوول رسانه ای قول اردوی دوصد و سه تندر همچنان در پی عملیات جداگانه در ولسوالی های جلریز ولایت میدان وردک و برمل ولایت پکتیکا پنج طالب کشته شده اند.

نگرانی از اخراج اجباری پناهجویان از پاکستان

٦جولای/کابل– تلویزیون نور:وزارت مهاجرین وعودت کنندگان میگوید که روزانه دوصد تا سه صد پناهجوی افغان از سوی پلیس پاکستان به گونه اجباری اخراج میشوند. اسلام الدین جرات سخنگوی آن وزارت میگویدپناهجویان فاقد مدرک در پاکستان موردآزار و اذیت قرارمیگیرنوروند اخراج اجباری آنان روزانه دوصد تا سه صد نفر است وتیرگی روابط سیاسی میان دو کشورروی وضعیت پناهجویان افغان درآنکشورتاثیرداشته و مهاجران فاقدمدرک بامشکلات متعدد مواجه استند. مطابق موافقتنامهٔ سه جانبه که سال گذشته با پاکستان و کمیساری عالی سازمان ملل امضا شده است تا پایان سال ٢٠١٧حضوریک میلیون و ٦٠٠ مهاجر افغان در پاکستان تمدید شده . اما اسلام آباد این مهلت را شش ماه تمدید کرده است.

سخنگوی وزارت مهاجرین همچنان از بازگشت داوطلبانه ده هزار پناهجوی بدون مدرک افغانستان از پاکستان به کشور خبر میدهد. جرأت میگوید پناهجویانی که بدون مدرک در پاکستان با آزار و اذیت پلیس این کشور مواجه اند، خودشان خواسته که به افغانستان باز گردند.وزارت مهاجرین وعودت کنندگان با کمیساری عالی سازمان ملل در تلاش است که قبل از ورود مهاجران به کشور زمینه و امکانات باز گشت آنان را در ولایتیکه پناهجویان برمیگردند فراهم کند.

٢٧ دانشجوی پلیس در کابل شهید شندن

٣٠جون/کابل – تلویزیون نور: در پی حمله انتحاری امروز در کابل ٢٧ تن شهید شدند و ٤٠ تن زخم برداشتند. وزارت امورداخله میگوید دو عامل انتحاری پیش از چاشت امروز کاروان مو ترهای دانشجویان مرکز آموزش پلیس میدان وردک را در منطقه قلعه حیدرخان مربوط حوزه پنجم شهر کابل آماج قراردادند. دانشجویان تازه فارغ شده پلیس از آکادمی پلیس میدان وردک می خواستند پس ازانمام دوره تحصیلی نخستین عیدخود را در کنار خانواده های خود سپری کنند. ممکن شماری از آنان به خانواده های خود تماس گرفته بودند و از آمدن شان خبر داده بودند، اما مو ترهای حامل آنان درمنطقه قلعه حیدر کابل مورددوحمله کننده انتحاری قرار گرفت.طالبان مسوولیت این رویداد را پذیرفته اند.غنی احمدزی این رویدادرا محکوم کردو گفت درماه مبارک رمضان مسلمانان عبادت میکنند، اماطالبان با کشتارمردم وایجاد رعب و وحشت مرتکب عمل نابخشودنی میشوندو ازاعلمان دین خواست در خطبه های نماز جمعه صدای خود علیه ترورستان را بلند کنند.

١٠مقام بلندپایه پلیس افغانستان تعلیق شده اند

٣جولای/کابل– پی بی سی:به گفته وزارت داخله ١٠نفر از مقامهای بلندپایه پلیس از شغلهای خود معلق شده اند.سخنگوی وزارت داخله، در تویترش نوشت وظایف این افراد پس از اعلام نتیجه تحقیقات درباره حملات انتحاری روز پنجشنبه درغرب کابل به حالت تعلیق در آمده است.پنجشنبه ٣٠جون دوانتحاری نیروهای پلیس را که با ١٥ تهربوس عازم کابل بودند، درمسیر راه هدف حمله قراردادند. براتر این حمله ٣٢ نفر که بجزدوفتر آنهاهمگی ازنیروهای پلیس تازه فارغ التحصیل شده آموزشگاه پلیس میدان وردک بودند، کشته شدند. به دنبال این حادثه وزیر داخله دستور ایجاد دو کمسیون ویژه به منظور بررسی این رویدادو پیشگیری از حملات احتمالی دیگر و کمک به خانواده های کشته شده ها و زخمی ها را صادر کرد.رئیس جمهورنیز به وزارت داخله دستور داد تا چگونگی روند انتقال دانش آموختگان مرکز آموزش پلیس در میدان وردک به کابل بررسی شودواقیامات تعلیقی صورت گیرد.

اُسیحه

در امریکانه

\$1.50

شمارهٔ چهارم /سال بیست و پنجم ۱۵/ سرطان ۱۳۹۵ / ۵ جولای ۲۰۱۶ / شمارهٔ مسلسل ۱۰۲۱

گاه آن آمد که با مردان سوی میدان شویم
یک ره از ایوان برون آییم و بر کیوان شویم
خانه پردازیم وسوی خانه یـــــــزدان شویم
بی زن وفرزند وبی خان و سروسامان شویم
از فراق شهر بلخ اندر عراق ازچشم ودل
گاه در آتش رویم و گاه در طــــوفان شویم

داکتر احمدناصر سرمست جایزه «نجات میراث فرهنگی» یونسکو را گرفت

٣جولای/لندن– پی بی سی: احمد ناصر سرمست، موسس و مسئول انستیتوی ملی موسیقی افغانستان جایزه نجات میراث فرهنگی سال ۲۰۱۶م مرکز عملی، فرهنگی و آموزشی ملل متحد(یونسکو)را به دلیل تلاش ودستاوردهایش در راستای حفظ واحیا موسیقی سنتی افغانستان بدست آورد. اوهمچنین برای رشد موسیقی در میان کودکان و نوجوانان تلاشهای زیادی کرده است.این جایزه توسط وزیر فرهنگ ایتالیا به او داده شد.انستیتوی ملی موسیقی افغانستان ضمن اعلام این خبر افزوداین جایزه به منظور قدردانی از شجاعت، اراده و تلاش چهره های فرهنگی جهان که برای حفظ و نگهداری هنر به عنوان میراث



فرهنگی بشریت کار و تلاش می نمایند، تعلق می گیرد.انستیتوی ملی موسیقی افغانستان ازسوی آقای سرمست ایجاد شد و در سال ۲۰۱۰با همکاری وزارت معارف افغانستان گشایش یافت.این انستیتو در ساختمان سابق مکتب هنرهای زیبا موقعیت دارد و ۱۵۰دانش آموزدر آن آموزش می بینند. قرار است شمار دانش آموزان به ۳۰۰تن افزایش یابد که نیمی از آنها دخترخواهند بود.سرمست در کنسروا توار مسکو آموزش دیده و بعدا تحصیلات خود را در زمینه موسیقی در استرالیا ادامه داد. او دکترای خود را در موردموسیقی افغانستان ازدانشگاه مونش استرلیا گرفت. اودرسال ۲۰۰۶برای بررسی این موضوع که (چگونه میشود آسیبهای ناشی از جنگ رابر موسیقی افغانستان زدود) وبا هدف(نقش شفافخش) موسیقی برای آینده افغانستان، بهکشورش بازگشت.قرار است شاخه هایی از این انستیتو که موسیقی کلاسیک افغانستان و غربی تدریس میکند، بزودی دردیگر شهرهای افغانستان نیز ایجاد شود.

اتجن سلطنتی فیلارمونیک بریتانیا به دلیل خدمات فوق العاده آقای سرمست به موسیقی و جوانان کشورش عضویت افتخاری این انجمن را به او اهدا کرد.شورای فرهنگی بریتانیا در زمینه توسعه آموزش و نصاب آموزشی به انستیتوی ملی موسیقی افغانستان، کمک می کند و همچنین تلاش دارد تا زمینه تحصیل شماری از دانش آموزان این انستیتو را در بریتانیا فراهم کند.

تلویزیون پیشگام در افغانستان افتتاح شد

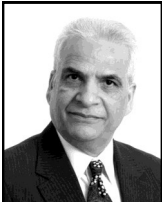
٢٨جون/کابل– آژانس باختر: اولین تلویزیون علمی و تحصیلی در افغانستان امروز توسط حامد کرزی رئیس جمهور سابق افتتاح شد. درین محفل نخست عبدالقدیر میرزایی رئیس تلویزیون پیشگام گفت اولین تلویزیون میباشد که تدریس رایگان برای مردم افغانستان بطور مستقیم انجام میدهد. بعدداً کر جاوید سنگدل بنیانگذار این تلویزیون درمورد اهداف و رویکرد تلویزیون گفت : پیشگام اولین تلویزیون علمی و تحصیلی در افغانستان است که اساس آن از آغاز سال ١٣٩٤ توسط یک گروه تخبه علمی گذاشته شدو مفکورهٔ ایجاد این تلویزیون دهسال پیش توسط خودم دروسیس باتحقیق و پژوهش تخصصی در یک نشست علمی دانشمندان وصاحب نظران درجمع پروفسران مطرح وتائید گردید. ما با کمترین هزینه بزرگترین کار را انجام داده ایم باید ٢٠ سال پیش این تلویزیون ایجاد میشد که نشد اما حال این تلویزیون ملی است نه تجاری ، آگاهیهای ملت را به سطح لازم آن رشد میدهد ، این تلویزیون رویکرد متفاوت در کارزار رسانه یی دارد آموزش زبان به سه لسان دری ، پشتو وانگلیسی در آن داده میشود .

در این محفل داکتر سیدمخدوم رهین رئیس دانشگاه یومف سویس گفت: افتتاح نهاد دیگر آزادی بیان مایه خوشی فراوان است. افتتاح این تلویزیون مفید پیشگام در دوعرصه یکی سوادآموزی که چهل سال است که ازین مملکت رخت بسته و در عرصه دوم فتور انحطاط اخلاقی درسرمین ما آمده اخلاقیات ما زیاد ضعیف شده معنویت را بخاطر دالرپرستی ازین برده اند. رییس یوف افزود: فروختن معنویت به دالر جامعه ما را بطرف سقوط اخلاقی کشیده خدا کند که با ایجاد تلویزیون پیشگام همه این نارسایی ها در جامعه ما از بین برود. در ادامه داکتر کمال سادات سرپرست وزارت اطلاعات وفرهنگ ضمن تبریکی به مسوولین تلویزیون پیشگام ایجاد این تلویزیون رایک گام ارزنده در قسمت تعلیم وتربیه به جوانان خوانده گفت : جوانان به آموزش نیاز دارندو آموزش از طریق تلویزیون پیشگام فرصت مناسب وخوب است . عبدالحمید مبارز رئیس اتحادیه ژورنالیستان گفت: اینکه پیشگام متمایز از دیگر تلویزیونهاست مسوولان این تلویزیون رسالت خودبدانند که رهبری فکری ملت را بدوش خودبگیرند . گنتنست که درین محفل لوح سیاس از طرف تلویزیون پیشگام در راستای حمایت از رسانه های افغانستان توسط جاوید سنگدل به کرزی اهدا شد . همچنان لوح سیاس تلویزیون پیشگام توسط عبدالحمید مبارزه داکتر سیدمخدوم رهین وزیر سابق وزارت اطلاعات وفرهنگ اهدا شد. (صفحهٔ آخر)

شمارهٔ ۱۰۲۱

بیمه استیت فارم

LIKE A GOOD NEIGHBOR, STATE FARM IS THERE.®



For your insurance and financial needs, see State Farm agent:
Afzal Nasiri, Agent
 8704 Sudley Road
 Manassas, VA 20110-4405

703-369-6224

ماری خلیلی ، افضل ناصری

خانه، موتر، صحت
 حیات، تجارت



درگیری شدید در ولسوالی جلریز میدان وردک

اول جولای/جلریز – صدای امریکا:عبدالرحمان منگل سخنگوی والی میدان وردک گفت طالبان دیشب بریک مرکز نظامی در ولسوالی جلریز که قبلاً مربوط نیرو های امریکابود، به صورت گسترده حمله کردند و بخشی از آن را به کنترل خود در آوردند؛ اما با مقاومت نیروهای امنیتی بعقب رانده شلند. او گفت نیروهای کمکی به محل درگیری رسیده اما این تهدید وجود داردطالبانیکه عقب زده شدند، دوباره حمله کنند.طالبان ولایات غزنی وزابل نیز در درگیری ولسوالی جلریز سهیم بودند؛ اما در ضد حملهٔ نیروهای امنیتی حدود پانزده مخالف مسلح کشته و زخمی شده اند؛ اما او ارقام دقیق کشته ها و زخمیان را بیان نکرد.جلریز درمسیر ولایات بامیان کابل قرار دارد؛ منگل گفت این مسیر مسدود نیست؛ ولی درگیری در برخی ساحات جریان دارد که والی و سایر مقامات امنیتی از مرکز هماهنگی خود بررسی وضعیت را به دوش دارند.درین درگیری گفته میشود به نیروهای امنیتی آسیبی نرسیده است. طالبان نیز تاکنون در مورد این درگیری ابراز نظری نکرده اند.

۱۳۰۰مدرسه دینی بدون نظارت در افغانستان

٣٠جون/کابل – صدای امریکا: در یکی از مدارس دینی ویژه دانش آموزان دختر مربوط به وزارت معارف شاگردانی با چادرهای کلان بر سر و چپنهای دراز و یک رنگ بر تن دیده میشود. مدیر مدرسه حاضر به صحبت نمیشود اما یکی از دانش آموزان این مدرسه به شرط عدم ذکر هویتش حاضر به مصاحبه میشود. این شاگرد میگوید دانش آموزان مجبور استند با این گونه لباسها به مدرسه بیایند وزمانیکه معلمان مرد، به صفهایشان می آیند شاگردان مکلّفند صورت شان راپوشانند، در غیر آن از طرف مدیر مدرسه با آنان برخوردصورت میگیرد. وقتی استادهای مر دبه صف میآید بایدروی خود را پوشانیم. مضامینکه خود مدرسه دارد را میخوانیم. استاد های بعضی شان علمانند که درمساجد درس میدهندو اینجا هم درس میدهند.

ساره که حالا درصنف ١٢مکتب است، درصنف هفت مدت کوتاهی خودش راهی یکی مدارس دینی درشهر کابل تبدیل کرده بود. ساره درباره تجربه چند ماهش از مدرسه دینی میگویدآنجایک محیط دیگر بود، یعنی مضامین که ما درمکتب میخواندیم، مضامین ساینسی مانمیخواندیم فقط مضامین عربی میخواندیم که تمامش مسایل دینی بود و استادان مرد تا ماروی خود را نمی پوشانندیم روی شانرا طرف دیوار می گرفتند و میگفتند درس نمی دهیم. شاگردهای خود تمام شان با این مشکل رو برو بودند. با کار کردن زنها مخالفت داشتند میگفتند محیط بیرون به زنها ساخته نشده، زنها باید در خانه باشند و کار خانه راکنند.

داعی الحق عابد، معین وزارت حج و اوقاف میگوید در سراسر کشور ٣٥٠٠ مدرسه دینی تحت نظارت آنها و ١١٠٠مدرسه دینی زیر نظر وزارت معارف فعالیت دارد.مدارسی که مربوط میشود وآنها به شکل معیاری و آکادمیک ازصنف اول تا صنف ١٤آموزش میدهند وسند فراغت میدهند؛ اما مدارسی که مربوط میشود بما اکثرامدارس ابتداییه است ونصاب آن، نصاب معیاری است. مدارس فارغ از نظارت : وزارت معارف تأیید میکند که حدود ١٣٠٠ مدرسه دینی دور از نظارت آنها فعالیت دارد. کبیر حقمل سخنگوی این وزارت میگوید ما درصدد هستیم که بادیست آوردن امکانات بیشتر و پول بیشتر تمامی مدارسی که در افغانستان فعال اند آنرا در سیستم آموزش خود جلب کنیم.

حمیرا ثاقب، رییس خبرگزاری زنان افغانستان و فعال جامعه مدنی می گوید وزارت معارف نظارت چندانی به نصاب تدریسی مدارس ندارد. خاتم ثاقب می گویدقراقرهای سنتی از دین همچنان موجود است هیچ گونه کنترولی ازسوی وزارت معارف روی مدارس دینی نیست. نتیجه این میشود که مثلا که ما بایک موج افراط گرایی رویرو باشیم.

جاوید کوهستانی، آگاه مسایل نظامی و سیاسی از افزایش مدارس دینی ابراز نگرانی کرده میگوید که تعداد از مدارس افغانستان نامدارس پاکستانی ارتباط دارد، ازسوی آنها تمویل میشوند سرباز گیری میکنند. بعدا ز حضور نیروهای بین المللی در افغانستان و شکست طالبان در سالیان پسین، طالبان شیوه جدید مدرسه سازی را در درون افغانستان افزایش داده اند. بخشی ازین مدارس وابستگی دارند بامدارس حقانیه، نظامیه، بنویه وسایر مدارسیکه در پاکستان معروف اند. از جانب اینها تمویل میشوند، بیشتر استادهای شان از همین مدارس آمده. اینها فعلا بستر سرباز گیری به طالبان اند حتی بخشی از جنگجویان آسیای میانه اینجا درس میخوانند.

برنیاد آمارهای وزارت معارف ٢٥٠هزار دانش آموز که ٥هزار آن دختران اند در ١١٠٠مدرسه دینی تحت کنترل این وزارت، مصروف آموزش می باشند.

رییس جمهور وقاضی القضاات قاجاقبران را رها می کنند

٢٦جون/کابل – تلویزیون یک:بنابر گفته های وزیر پیشین مواد مخدر کشور، قاجاقبران بزرگ مواد مخدر ازسوی رییس جمهور وقاضی القضاات بخشیده می شوند و به وظیفه اصلی شان (قاجاق مواد مخدر)، بر میگردند. جنرال خداییداد افزود: برخی از اعضای کابینه، رهبران جهادی، و کیلان پارلمان، والیان، جنرالان اردو، پلیس و امنیت ملی و شوراهای ولایتی، بگونه مستقیم در قاجاق مواد مخدر دست دارند. این وزیر کابینه کرزی افزود که قاجاقبران پس از دستگیری حتادوماه در زندان نمی مانند، در حالیکه باید هجده یا بیست سال در حبس باشند.

باینهمه عبدالله، رییس اجرایی گفت حکومت وحدت ملی در مبارزه مواد مخدر اراده راسخ دارد. در حالیکه وزارت مبارزه با مواد مخدر گفت کشت تریاک امسال در کشور افزایش یافته است. محمد حنیف داننیشار، سخنگوی این وزارت گفت: ما امسال به چند مشکل جدی مواجه شدیم: فصل زودرس گرما سبب شد که کوکنار زودتر رشد کند و مانتو انستیم برنامه تخریب کشتزارهای کوکنار را تطبیق کنیم. گسترش ناامنی ها همچنان مانع تخریب کشتزارها شد و از سوی هم پول کمک کنندگان به موقع به ما نرسید.



عنوان کتاب: رویدادها (تجارب) افغانستان
مؤلف: پروفیسرداکتر حمیدمدنی
(بخش دوم)

درهمین ساعتیکه معرفی اثر تاریخی وپرمحتوای دوست نهایت گرامی ام پروفیسرهادی را دربخش دوم رویدست میگردم، یادم ازیک جملهٔ ماندگار و حسرتبارمورخ فقیدوطن میرغلام محمدغبارمیآید که درسایت پرمطلب بانوی نویسنده وفرزانه ماربا دارو چنین خواندم : «هلت افغانستان بعدازهرغسل خون و آتش، همان پیرهن چرکین گذشته رابر تن میکند.»«وماربا دارو درتعبیراین جملهٔ تاریخی نوشته : «زمردم افغانستان قیام کرده اشغالگران استعماری راشکست داده اند، اما بار دیگرشاهان وحکومت استبداد ونوکران استثمار براریکهٔ قدرت نشسته اند…»

بهرحال، محتویات ارزشمند کتاب تازهٔ پروفیسرهادی روشنگر رویداد های حسرتبارچند دههٔ اخیرافغانستان نیز زدویندهای دشمنان ودستبرد اجنبی واستعمار گران، استثمارشده گان ونوکران گماشته شده وبروردهٔ دست بازبکران راکه درملت سیاست ودین وتروربسم، ملتی راباربار به خاک وخون کشانیده است، شجاعانه ومدبرانه برملا ساخته است.

پروفیسرحمیدهادی درادامهٔ مقدمهٔ اثرخود که من فشردهٔ آنراازبان انگلیسی ترجمه ودرشمارهٔ گذشتهٔ جریدهٔ مردمی امید به شماراابه دادم، عظمت تاریخی بلخ ومزارشریف رابا ذکرشعرا ودانشمندان وعلمای آن خطهٔ ممتاز آریانا تشریح کرده ودریک قسمت چنین نوشته اند«شهر زیبا وتاریخی مزارشریف سرزمین آریانا توانست برای مدت طولانی ودوامدار ازمزایای صلح وشکوفایی برخوردارباشد: یک روزگرم تابستان ماه اگست۱۹۹۸ یک کابوس هولناک دیگراین شهرداربر گرفت، این مرتبه یک کلهٔ قبیح بسیاربین وابتدایی بنیادگرا، وحشی ووبرانگر(شاگردان مدرسه) بنام طالبان درحالیکه باگروه تروریستی القاعده وملیشای پاکستانی مدارس دینی دیوبندی واعضای آی اس آی پاکستان همراه بودند، باسواری ترکهای پیکاپ تویوتا ومجهزباسلحهٔ قاتلهٔ قبیله حتی تانک وهلیکوپتربه شهرحمله کردندوحدودچهارهشت هزارنفر رادرزندیکی محوطهٔ مقبرهٔ(زیارت سخی) معروف، قتل عام نمودند. روزنامهٔ سندی تایمزدردین بارچنین راپور نوشت: تفصیل گواهی آشکار شرارت طالبان سبب ناراهی پالیسی سازان غرب شده که چنین اعمال بنیادگرایی ونبیادگران درووند بازی بزرگ عصری قابل استفاده میدانند تابدین وسیله نفوذ وتاثیر ایرانیاهورسوادرافغانستان ممانعت کنند وذخایرعظیم نفت وگازآسیای میانه پاداشی بماندبرای قدرتهای چندملیتی غرب، ازطرف دیگرطالبان جهت انتقام ازشکست شان درسال۱۹۹۷ که عدهٔ ازمردم شمال بشمول هزاره هابرضدآنهاقیام کردند، زیاتر دست به تاراج وکشتار زدند…»

پروفیسرهادی بااستنادجراید معتبرامریکاجنین ادامه میدهد: درماه اکتوبر۱۹۹۸ روزنامه نیویارک تایمزگزارش داد که نصف جمعیت افغانستان (زیرسلطهٔ طالبان) محکوم شده اندبر خدمات صحنی برای زنان درواقعیت متوقف شده، تعداد زیانان ودختران واطفال بخاطرامراض ونبود معالجهٔ طبی به کام مرگ رفته اند. لیونارد روین شین، مدیر اجراییه داکتران وابسته به سازمان تحقوق بشرمیگوید درهیچ نقطهٔ جهان دیده نشده که زنان ازحقوق حقّهٔ انسانی خودوخدمات صحنی لازمی باچنین گسترش ووسعت سرتاسری محروم گردیده باشند. همچنان جودی مان گزارشگر واشنگتن پوست در۵ دسمبر۱۹۹۸ راپور داد که این اظهارات راجع به (زنده ها دربنجهٔ مرگ) میباشدکه زنان زیرسلطه وچنگال بدکردارترین عناصرضدزن و زن ستیزان رنج میبرند، درخانه هایشان اجبارا محبوس میشوند، این رویدادبه اعمال نازهای جرمی شباهت داردکه درحق یهودیان روا میداشتند…بهرحال، صفحات زیادی درین فصل اول کتاب مملو ازچنین گزارش های تکان دهنده ومستند وجشمدیده‌ای حسرتبارمیباشد. مؤلف ژرفبین درفصل دوم کتاب پرمحتوای خود راجع به منشا وبه میدان آمدن طالبان مطالب تحقیقی وتحلیلی زیاد ومستندی را نگاشته که فشردهٔ پراگراف آغازآنها به شمارترجمه میکنم : سن ترو یک تحلیلگر وقایع درگیری رزمی حریفان میگوید: «اگرشمادشمن خویش وخود رابدرستی بشناسید، هیچگاه ازنتیجهٔ نبردهراس نداشته باشید.»

درطول یک جنگ تقریبا یک دهه سالهای هشتاد، مردم قباایل وگروه های قومی افغانستان متفقا برضدتجاوزقشون شوروی، درحالیکه تجهیزات وآموزش ومنابع پولی سیا وعربستان سعودی ازطریق پاکستان بدسترس شان گذاشته میشد باعث شکست شورویان وفرو پاشی کمونیسم شدند، افغانهاجنگ سرد رابه نفع غریبان بردند، درین گیر وداروجنگ ونبردکه از۱۹۷۹ آغازوتاعقب نشینی روسهادامه یافت، حدودشش ملیون افغان به ممالک همسایهٔ پاکستان وایران فرار کردند، همچنان تقریبا یک ملیون دیگرکشته شدندوحدودیک ملیون دیگرزخمی گردیدند وتمدادزیادی قبل ازبرآمدن اتحادشوروی از افغانستان دراپریل ۱۹۸۹ درآترجراحات برای همیشه معیوب ماندند…»

بزودی بعدازعقب نشینی قشون شوروی، مجاهدین پیروزمند ازهم پاشیده ومتفرق گردیدند بطوریکه صدراعظم یک اتحادی که تقریبا سه سال دوام کرد، تعدادی عساکررابه دورخودجمع کرده کابل را زیر شلیک راکت وگلوله قرارداد وتمدادزیامردم وطن خودرابه قتل رسانید، تعداددیگرمردم ازدور ونزدیک توسط جنگجویان دیگر(وارلارد)ها جذب شده وهرکدام برای خودعساکرخودرا جمع آوری کردندوبه کشتاروچپاول آنهایکه به اقوام دیگر تعلق داشتند اقدام کردند…»

درسال۱۹۹۴ که جنگ داخلی بشدت جریان داشت، صدهاهازافغان هنوز از وطن خودفرارمیکردند، یک گروه یسواد وعقب ماندهٔ فرهنگی (مرسوناری) که بنام طالبان یادمیشوند، توسط پاکستانیاهومدستان شان کمک مالی شدند، آموزش جنگی یافتند، درلباس وبوش روند سیاسی کشانیده شدندوقیافهٔ قبیح رابنام و زیرچتردین اختیارنمودند و با گروه تروریستی القاعده همدست گردیدند. متعاقبا افغانستان رااشغال کردندواین ملت جنگزده رادرهیولاوتمجلاّب هرج ومرج غوطه ور ساختند… درین رویدادپرازتابهای بسی عوامل وپدیده های افسانوی موجود است که بطورملاحمر(سرکردهٔ طالبان) توانست یک گروه ظاهرا کوچک طالبان رادر برابر جنگسالاران غاصب قندهار بسیج و روانهٔ میدانهای کارزار تباهکن نماید!

نظری به تیوری که طالبان ولیدرشان ازشهرقندهارسربلند کردند و تنهای سی نفر طالب وشصت قبضه تفنگ چنان پیشروی نمودندکه شهرهای هرات ومزارشریف وکابل واحتملا هشتادفصدمملکت رازیرسلطه آوردند، درواقعیت یک خدعه و تیرگیکست که تندباد مرگبار راهبره داشت. این جای بسیار بهت وخوشیاوریست که باور کنیم شاگردان ابتدایی مدرسهٔ دینی بتوانند پیشرفته ترین اسلحهٔ جنگی رابکار برندو چنهای بپب افکن وهلیکوپترهای مجهز باجشمهای شب بین رابه پرواز آورند!… مناقشات زیادی بمیان آمد که چه اشخاصی مسوؤل طرح پلان ستراتیژیک طالبان بوده اند وسوق العیشی ومصارف مالی بعداحدودهفتاد الی هفتادوینچ هزارشاگردمدلرسه رادریک لشکرجنگی شان راسربراه نمود؟! منابع خبری گواهی میدهند که حکومت پاکستان وپلیس نظامی آن آی اس آی وگروه های بنیادگرای اسلامی سازمانهای مدارس مسوؤل

داکتر غلام محمد دستگیر برومفیلد، کولورادو
روژه مضر نیست بلکه برای صحت مفیداست
بگور سیه رفتن وگم شدن
از آن به که مردودمردم شدن

رازق قاتی
چندی قبل نویسندهٔ بنام وخشور بدخش درسایت فرهنگی ودانشوری آریائی مضمونی تحت عنوان[۱]حقیقت روزه در زیر غبار دروغ تیکه داران دیلق نوشت که مرایی نهایت متأثرساخت! چون اسم شان یک اسم معمول افغانستانی نیست نمیدانم که آغا وطندارمن است یانه؛ لهذا اولولوخشور صاحبخطاب میکنم.بقین دارم شماهم مثل من کنجکاو هستید کهایللوخشلوچه معنی دارد؟ به این مختصر دربارفلوخشولودقت کنید:وخشو درلغتماده دخندا دارای شش معنی مختلف است، چون: پیغمبر، وخش سرزمینی است در کنار جیحون وللوخشان[۲] رودباری است از شعب جیحون، وخشت به معنی وهشت و در اوستا این کلمه فقط به زرتشت اطلاق میشود که به این ارتباط یتهای ذیل را دهخدا انتخاب کرده است:

با نانا نمودند وخشور را بدید آن سراهمه نور را (رودکی)
یکی حال از گذشته دی دگر ازنامده فردا
همیگوبندپنداری که وخشورند یا گندا (دقیقی)

بگفتار وخشور خودراه جوی دل ازتیر گیهادین آب شوی
بگوی خردمند ازاین در سخن قیاسی از وخشوردادار کن (فردوسی)
نمیدانم توضیح وخشور صاحب درین باره چیست اما دیده میشود که میلان معنی کلمهٔ وخشور بطرف زرتشت بیشتر بوده و(بدخش) اختصار برای بدخشان است. من بر(تیکه داران دینی) که وخشور صاحب تذکر داده بتصورهٔ ندارم اما مجبورم چند کلمهٔ در بارهٔ سوء استفاده از اسلام ودیگر شعایر آن که ازطرف دشمنان اسلام دامن زده میشود نکاتی بعرض برسانم. این گروه بعوض که اسلام را یک دین صلح و شفقت ومهربانی معرفی نمایند، آنرا ازبکسو مسلمان نماهای دروئی ومنافق چون میر عمرصدیق نام بد میدهندواز جانب دیگر آیدیاالوزبهای مختلف؛ خصائیل نیک، تعلیمات مهم اجتماعی، بشری، دینی وفلسفی اسلام رامورد حملات ناجوانمردانهٔ جهالت خودقرار داده به معنی حقیقی آن دقت ننموده درعوض واهیات خودرابر کرسی انتقادتکیه میدهند تا افکارمسلمانان خوشاواره، جوانان وافراد کم فهم دردین مبارک اسلام رامغشوش ساخته آنها را متردد سازند. اینگونه مردم بدتر، فجیح تروهنگامه طلب تراز(تیکه داران دین) اند؛ هردو برای تحریب دین مقدس اسلام بر آمده اند!

وخشور صاحب، ازبکسو اعدادارد که: «دلایل پزشکی تراشیده اند برای روزه؛ و گرفتن آنرا کوشیده اند با این دلایل موجه جلوه دهند» یعنی براستدلال پزشکان عقیده ندارندولدی درعین حال شاکی اند که: «اجازه وفرصت استدلال راهم برای کسی نمیدهند». پس چراشمابه استدلال مسلکی پزشکان توجه ناشتید؟

شما از acetoneدر فرانسوی و acetoneدر انگلیسی یادنموده نوشته اید: «پس بدن شروع به استفاده از جرینها میپردازد و جرینهای ذخیره شده به نوع کتون تبدیل میشود (بوی بدی که از دهن روزه دار میآید، از همین کیتون است)»؛ چقدر اشتباه بزرگ و تهمت ناقص بر کیتون بیچاره! این کیتو اسیدوزیس است که بوی میوه مانند دربدن (مخصوصاً در الکهولیزم و مرض شکر تداوی نشده) تولید میکند؛ میخائیکیت بوی دهن دار طور دیگراست و منشاء معدوی دارد.

شما از تحقیقات پروفیسر بازنئستهٔ لومه لیندا بنام ویلیام جارویس که اصلاً (جارویتز) است نام برده اید: لومه لیندا یک دانشگاه مسیحی Adventismهفت روز بوده در چارترشان درج است که تنها رابطهٔ نزدیک و اجازة تحصیل در مؤسسات شان برای پیروان عقیدت شان داشته وهم با آنهایکه تمایل به مذهب شان دارند. روی همین ملحوظ بود نتوانستند در دانشکدهٔ طب کابل بکومکهای خود دوام دهند. پس آنچه این گروه مذهبی در بارهٔ اسلام تحقیق میکنند سعی میوزند تا زیادتیر برای بد نامی شان نتیجه گیری کنند نه بطرفداری آنها. شما نتیجهٔ تحقیقات اورا چنین نوشته اید:

۱- طرفداران روزه میگویند: بدلیل روزه بسیاری از سموم از بدن خارج میشود. اما باید بدانند درمقابل شماء، درمعرض هیپاتیت، اختلالات کلیه، بیماریهای خون، بیماریهای قلبی، ورم مفاصل، بیماریهای اعصاب و روانی یاخنا سرطان – بسته به شرایط ارثی و یا نقاط ضعف ساختاری بدن شما، قرار نمیگیرد. این ادعا کاملاً غلط است و پروفیسردر اخیر، جمله راه گریزخودراونشته: بسته به شرایط… این نتیجه گیری غیر علمیت.همهٔ امراض وحالاتی را که ذکر نموده قطعاً درهنگام روزهٔ ماه مبارک رمضان درزند یک مردبالغ مجهزبه شرایط رمضان که از آفتاب ننست تا صبح صادق هر نوع غذا و مشروبات صرف میتواند امکان ندارد بمیان آید. اینها امراض مزمنی اند که سالها بکار است تا به مرحلهٔ اعراض تیارز یابند.
۲- هنگامیکه بدن با کمبود انرژی مواجه میشود بدن طی فرآیندی بنام کاتابولیزم شروع به شکستن ماهیچه ها و دیگر بافتهای پروتینی و تبدیل آن به انرژی میکند. این کاتابولیزم (درحالت روزه) درواقع نوع (خودخوری) محسوب میشود که باتولید اوره و امونیاک (بنوان مواد فرعی) منجر به افزایش اسیدپتیه خون میشود. نتیجه اسیدی شدن خون: ضعف، خستگی شدید، کج خلقی، افسردگی، کاهش میل جنسی و کسالت است. بازهم همهٔ اینهبادرآرهٔ رمضان مبارک جز تهمت عوجلاّنه، چیز دیگر بوده نمیتواند؛ اوره، عبارت از ناتروجن یوربای خون یا BUNاست و امونیاک امونیم هایدرو کلوراید، برای جواب شما قصهٔ مشهور ذیل بخاطرم گذشت:

پادشاهی فرزندان را جهت تحصیل علوم مروجهٔ روز که حکمت و منطق و فلسفه است نزد عالم متبحر زمان میفرستد. شهزاده متواتر جهت کسب علم ودانش به نزد استادش ماها راما میگذراند. روزی پادشاه جهت آزمایش سوئهٔ ادراک علمی شهزاده اورا با استادش به دربار طلب میکند و از شهزاده میپرسد که: در بین این مشت بسته ام من شی دارم بگو این چه خواهد بود؟ شهزاده بعد از احترامات مروجهٔ درباری به پامیایستد ومیگوید: فرمانروای عالم درین مشت اقدس شاهانه شیئی است که ملودر بوده ووسط خودسوراخ دارد. شاه ازین پاسخها خوشنود شده وبه فرزندمیگوید: پس بگو نام آن شی را! شاهزاده جواب میدهد: درمشت شما (سنگ آسیاب) نهفته است. پادشاه باتعجب بر استادش قهرو غضب روامیدارد وبه وی عتاب کتان میفرماید: من میخواستم از فرزندم یک مردعاقل ودانا وبامنتق وحکمت وادراک واحساس بمن تقدیم کنی!! استاد شهزاده، بازهم باهمان پروتو کول درباری به پامی خیزد وبا صدای ملایم میگوید: شاها! من آنچه میدانستم به او تدریس کردم. کتابخانهٔ شاهی را در قلموش تار نمودم و برای حل مشکلات درسی وعلمی اش همیش درجوارش بوده با احترام خالصانه حل می ساختم؛ معلوم میشود که شهزاده ظرفیت جذب آنچه تدریس رانداشته و خرد وعقل ذاتی اش کمبود دارد، ورنه ازدانستی که به او آموختم، توانست شیئی مخفی دردست مبارکشان را درست شناسایی کند که گرد است ودروسط هم سوراخ دارد، پس آموزش من صحیح بوده، مگراین به عقل ودرایت شاهزاده تعلق داشت که فکرنماید! یا آسیابسنگ در کف دست یک شخص جامیگیرد یاخیر؟! وخشور صاحب؛ پروفیسر شما معلومات مکفی داد. اما آنهااز تأثیرروژه نبود بلکه دربارهٔ فاقدی یا starvation گرسنگیهای دوامدار چون اعتصابات غذائی سیاسی

پروفیسرداکتر عبدالواسع لطیفی الکسندر به، ورجینیا
صفحاتی از یک زندگی پر نشیب وفراز
دروصلت وطن و درغربت هجرت (۲۱)

نمونه هایی از سهوها و اشتباهاتم : خوانندگان نهایت ارجحندو گرامی ! شما که مطالعهٔ این زندگینامهٔ بی پیرایه را از آغاز تاحال ادامه داده اید، یقیناً بخاطر خواهیدداشت که در یکی ازبخشهای گذشته به شماوعده دادم که عندالموقع شمهٔ از سهوهاواشتباهاتم رانیز درین مسیرزندگی پرنشیب وفرازم، از کودکی تا کھولت برایتان خواهم نوشت، میخواستم چنین فصل حساس رادراخیسراین اوتویو گرافی ام تذکردهم، ولی همین حالاخواستم شمهٔ از گوشهٔ دیگروزندگی وسهوها واشتباهات سیر حیاتم رادریکی دوشماره بنویسم، وبعدبه ادامهٔ سلسلهٔ عادی بپردازم. درعین زمان میخواهم این اقدام یسابقه، موضوع یک اقتراح ابتکاری زیرعنوان (اعترافات) نیز بشمار آید تااسایرنویسندگان و فرزنانگان عندالموقع تاجاییکه بخاطر دارند، سهوهاواشتباهات آموزندهٔ سیر حیات خودرا باتایید مقولهٔ معروف که (هیچ انسانی خالی ازسهو و خطا نیست) دربخشهای حیات خانوادگی، اجتماعی، اداری وسیاسی به رشتهٔ تحریر آورند وبه نشر بسپارند. به عقیدهٔ بنده این موثرترین منابع و درسهای پرتنباهی خواهدبود برای تشکل واستوارنگهداشتن پایه هاو نردبان محکم حیات اجتماعی نسل کنونی و آنهایکه تازه درجوامع بوقلمون قدم میگذارند ووظایف ومسؤولیتهایی بدوش شان گذاشته میشود.

بهرحال، نخستین سهواواشتباه تکاندهندهٔ سیر حیاتم در کودکی ودر سنین ده سالگی رخ داد که ازوقوع آن خاطرم تاامروز جریحه داراست: درپهلوی خانهٔ ما درکوچهٔ اندرانی شخص آرام ویغرضی زندگی میکرد که خیل بزرگ کبوتران رنگارنگ داشت وگاهگاهی آنهارادراسمان نیلگون محله به پرواز میآورد. روزی روی بام منزل ماایکی ازهمسالان وهمازیهایم نشست به وباباز بچهٔ (غولک) که از دوشاخهٔ چوبی و رابر ساخته شده بود، مسابقهٔ نشان زنی روی یکی ازدیوارهاداشتیم، ناگهان خیل سرمست کبوتران همسایه به پرواز آمدوچند مرتبه فضای منزل ما را دور زد، یکبار ازروی تفنن ییلزوم، بدون سنجش واندیشه ازعاقبت کارناپسند خود، جمع سیار کبوتران راباهمان غولک رابری نشانه گرفتیم وسنگ سختی راز کاسهٔ چرمی آن بسوی مرغکان خوش خط و خال رها کردم، دریک چشم بهم زدن سنگ بر سینهٔ یکی از کبوتران قیمتی همسایه اصابت کردومرغک ییزبان مجروح شد واز خیل عقب مانده بر زمین افتاد… من که منتظرانین ساحتة دلخراش نبودم، زمانی به این کارغلط وسهوبزرگ خودمتوجه شدم که فربادمردهمسایه که از گوشهٔبامش ناظرصحنه بود، بلندشدوگفت: نتیجهٔ این کاربدفرجام راشام به پدیرت خواهم گفت تاسرزش شوی واگر کبوتر قیمتی ام ضایع شود پول قیمت آنرا باید بپردازد! از کلمهٔ سرزنش زیاد دلگیرنشدم زیراخودرا سزاوار آن میدانستم، ولی کلمات ضایع شدن کبوتر وپرداخت پول قیمت آن براساخت تکان داد ودراندیشه و حیرت افتادم که این پول اضافی راپدیرم از کجاخواهد پرداخت، غم ضایع شدن کبوتر خوشرنگ نیزبرایم جانکاه بودا بزودی ملتفت شدم که تصمیم وعمل عاجل تفنن بدون سنجش عاقبت کار وفراموش کردن نصیحت وهوشداربزرگان، باعث این عمل بدفرجام شد. راستی از آنجا که عفوخواستن واعتراف به گناه نزد کودکان آزمان معمول نبود، من هم جرات عفوخواستن از آن همسایهٔ عزیز را نکردم وزجرت در دلش باقی ماند، درحالیکه اعتراف شجاعانه طالب پوزش صمیمانه میتوانست رنجش اورا برطرف سازد وضمیر مرا نیز تسلی بخشد !

سهو واشتباه پراز بشیمانی دیگرم زمان فارغ التحصیلی مکب وشمول درفا کولته های دانشگاه کابل بود، پس از توزیع شهادتنامهٔ بکلوریا، ریاست تدریسی وزارت معارف، فارغان مکاتب رابراساس محاسبه وصوابدید خودش به فاکولته های مختلف معرفی میکرد، اسم من درروز اعلام نتایج، درلست شاملین کلاس (بی سی بی) دورهٔ مقدماتی فاکولته های ساینس وطب درج یافته بود، ولی خودم که علاقمندرشته های اجتماعی خاصتا فاکولتهٔ حقوق یادادیات بودم، ازرقتن به بی سی بی سرکشی نمودم ودر هفته های اول آغازدروس فاکولته هاعوض حاضر شدن به کلاس درس، دربارهٔ تبدیلی رشتهٔ مطلوب شده پدرم را وادار ساختم تا نزد رییس پوهنتون وقت مرحوم داکتر محمدحس که از آشنایانش بود، عریضهٔ تبدیلی مرا ارایه دهنده، رییس پوهنتون که آبندهٔ طب وساینس رابرایم مفیدترمیدانست به تبدیلی موافقت نکرد.بازهم برای تبدیلی به فاکولتهٔ حقوق بفشاری وتلاش پیوهده کردم که چندین هفته رادربرگرفت نه تنهاتبدیلی ام عملی نشدبلکه از تعقیب آغاز دروس بی سی بی عقب ماندم وبابشیمانی خیال تبدیلی راز سر دور کردم.

با ابتباه ازین اشتباه وتلاش بی ثمرخود، درتعقیب دروس مساعی بیشتر بخرج دادم وبس ازختم موفقانهٔ بی سی بی شامل فاکولتهٔ طب شدم، و صرف مساعی بیشتر کردم تاجاییکه دریان تحصیلات نظری وعملی فاکولتهٔ طب (که با کواته بینی وناعاقبت اندیشی در ابتدا میخواستم خود راز آن تبدیل کنم)، در کدعلمی و هییت تدریسی آن قبول شدم ودر پهلوی فعالیتهای تدریسی، درشتهٔ میکروبیو لوژی، از سال۱۹۶۶ تا ۱۹۸۱ بچیت مدیرنشرات ومسوؤل مجلهٔ(افغان میدیکال ژورنال)، ومتعاقبا معاون علمی وشف دیپارتمنت میکروبیولوژی وبالاخیر حیث رییس همین فاکولته اجرای وظیفه کردم.

راستی جملهٔ تاریخی مرحوم داکتراسی هنوز یادام است وقتی مرتبهٔ دوم عریضهٔ تبدیلی ام رابرایش تقدیم کردم، باکسی شخونت بازهم رد کرد وگفت: مسایل حقوقی وادبیات رامیتوانی در خارج فاکولته نیز بیاموزی وکسب معلومات کنی، ولی ساینس وطب راباید در کلاسهای درسی ودر لابراتوارها بیاموزی ودر رشته های عملی که به آن ضرورت بیشتر است، اجرای وظیفه کنی ! /... (دنباله دارد)

و غیره بیشتر صدق میکند، نگاشته شده است. این حالا که شما تعبیر غلط و بیجا کرده اید، در ظرف ۱۷ ساعت گرسنگی که در ۷ ساعت باقیمانده روزه دار با خوراک ها و نوشیدنی های متنوع تغذی میشود تغییرات فوق درموازنه گرفته میشود: درزند یک مرد بالغ وصحتمند امکان ندارده استثنای آنچه که پروفیسر شما بیان نموده»… بسته بر شرایط ارثی و یا نقاط ضعف ساختاری بدن شما است…» این حالات رخ دهد.

۳- روزه سبب از دست رفتن سریع آب، پتاسیم وسدیم میشود. بازهم تعبیر سنگ آسیاب ماننداست. آب والکترولیتهایی را که شما تذکر داده ایدجزعسریم خون است که هنگام فعالیتهای فزیکای باعرق ضایع میشوندنه ازبیاعت روزه، اگر این تغییرات احتمالاً بمیان هم آید با افطار نوشابه های متنوع غیر الکھولی در توازن میآیند.

۴- روزه منجر به از دست دادن سریع آب، سدیم و پوتاسیم است. این کار سبب کاهش حجم خون میشود. همچنین کمخونی، کاهش ایمنی بدن، یو کی استخوان، صدمه به کلیه با آسیب کبدی از عوارض دیگر روزه است. در پایان مقالهٔ تحقیقی خویش یادآوری میکند که بیش از ۶ ساعت تشنگی خویش را ادامه ندهید. بازهم معلوم میشود که نتیجه گیری بیتوازن است. در روزه آب بصورت سریع ضایع نمیشود (در اسهالات و استفراغات آب بدن سریعاً ضایع میشود، دستگیر). مایعات دورانی تحت کنترل کلیه ها بوده در توازن گرفته میشوندبه استثنای (۹۰ دقیقه عرق کردن) که برگرده هاوغده های فوق الکلیه فشار آورده حوادث ناگواربار میآورد. درروژه این یک حالت

انجنیر عبدالصبور فروزان
تلویزیون ژوندون
نیوجرسی

مظهر تعصب زبانی و قومگرایی درافغانستان (یوست به گذشته) مدت زمانی بود که مهر بردهان مردم زده بودند ودرکشورچنان شرایط اختناق، ترس ورعب حکمفرما بود که کسی راییاری سخن گفتن نبوده، هرکسی دهن می کشود بردهنش میزندوهر کسی سری می افراخت سرش بریده میشد (هر جا که سری بود فرورفت به خاک –هر جا که خری بود بر آورد سری !) ظلم شیوۀ حکومنداری وجهالت و فقر، رمزقای سلطنت وحکمرایی بود، ای بساخوهای ناحق که ریخته شد وای بسارسرهای یگانه که زده شد، ای بسا زنجیر وزولانه ها، قین وفانه ها، تیل داغ کردها، ناخون کشیدنها، ای بسا واسکت بربدنها، کله منار کرده ها که دودمان سدوزایی ومحمدزایی کردند. شیوه ظلمهاوشکسجه هایی که رواج مستبدان قرون وسطی بود، حکمرانان این دوطایفه حتی شدیدتر از آنها برملت مامشق وتمرین کردندتا کسی صدایش رابلند نکند وآنهایکه صدای شانرا بلند کردند، آنرا در گلولی شان خفه کردند. نوکری وچاکری ییگانگان و خاکفروشی شرط رسدن بقدرت بود، به قول وفرقار آنها اعتماد نبود.فر آن رادم تزویر ساخته بودند، درجمع آوری مال ومنال چنان حریص بودند که مال این وآثرانی شناختند و ملک وزمین دیگران راغصب میکردند وبه وبستگان وخویشان خودمیدادند.

یکی ازین سرمداران ظلم ویعدالتی نادرغداربود که همدستانش اورا اعلیحضرت محمدنادرشاه غازی؟! نام نهاده بودند(برعکس نهندام زنگی کافورا!) شخص ظالم، بیرحم، مزدورصفت، نامرد وی مروت، خیانت پیشه وقاتل بود. درایمان ضعیف بودوبه قرآن مجید یحرمتی میکرد وهنوززنده بود که مردم اورا (نادر غدار) میگفتند. نادرنه تنها به مردم ووطن خاین بود بلکه اعضای خانواده وبستگانش هم ازخیانت و تزویر اومتضررشده بودند. مثلا زمانی که حلقۀ غلامی انگلیسهارادر گردن انداخت، به بهائۀ اینکه سلطنت رابه شاه امان الله برمیگرداند، هوا خواهان شاه ازجمله غلام نبی خان چرخي راغوا کرد، برادرش محمد عزیزبه سلطنت چشم دوخته بود چون در میان برادران دیره دونی بزرگترشان بود، خودرامستحق تاج وتخت میدانست، نادر اورا فریب داد وباعده دروغین که بعداز گرفتن سلطنت او پادشاه است واکون بهتر است ازگ وبرخورد دورباشد که کشته نشده وبرای سلطنت حفظ شود، بهمکاری وتوصیۀ انگلیسهاورابه آلمان اقامت گزین کرد، ولی زمانی که سلطنت رابندست آورد، نادربه محمدعزیزاعتنایی نکردخودرا پادشاه اعلان نمود. محمدعزیز ازین نیرنگ نادرسخت آزرده بودوخود و هردوپسرش، داوود ونعم، تازماینکه مردند داغ این نیرنگ نادر را درسینه داشتندوبه نادربه بدی نگاه میکردند.

هاشم برادر بزرگ نادر وشخص ظالم، مستبد وددمش بود، درخونریزی و کشتارمردم یگانه چنان عادت داشت که مردم اوراهاشم جلاد می گفتند. انسان حریص وذنیاپرست بود، ملک وزمین مردم رابه زور یا به پول ناچیز میخريد و خودرا صاحب هزاران جریب زمین ساخت، که ضرورت به آتهانداشت ویی اولاد مرد. شوقش بندی وزنجیر وزولانه کردن بود، ازشکسجه دادن زندانیان لذت میبرد، صدای زنجیروزولانۀ محبوسان راخوش داشت ودرساختن زندانهاوشکسجه گاههاساخت علاقمند بود، برای بندی هایش درزندانهای گنبد کو توالی، زندان ارگ شاهی وزندان سرای موتی درداخل شهرکابل، دیگرجای نماندوهاشم زندان دهمزنگ را که ازمتوقیربن زندانهای جهان بود اعمار کرد. هاشم صدراعظم جلاد دراعمار این زندان سخت دلچسپی داشت وتحت نظرو مطابق نظرش ساخته شد، که بخشهای برای مجرمین، سیاسیون، زنها، اطفال وخنثی برای فامیلهاداشت که همه اعضای خانواده اعم ازپدرومادراولاد یکجاذندان میشدند ! درزمستان سردی و برودت طاقت فرساودرتابستان گرمی کشندۀ بیدامیکرد. سلولهای آن هواکش وروشنی اندازی نداشت، نمناک، کثیف وتاریک بود.هاشم جلاد امر کرده بود کژدم ومار درسلولهای زندانیان رها کنند تابندی ها همیشه درخوف وترس بسربرند.

هاشم جلاد که کاکا وصدراعظم محمدظاهرشاه بود ازدیدن زندانهای چنان لذت میبرد که انستاهی آزاده از بستر گله و چمنزارها، عجیب اینکه هاشم که صدراعظم بود ودرخانواده اش به صدراعظم کبیرشهرت داشت، هرچهارشنبه ها عصرانه از زندان دهمزنگ دیدن میکردوازان فرحت صاحب مینمود، واین برایش اعتیادشده بود، مثل اینکه کشتار یهودیان برای هتلر خوشی بارمی آورد وبه آن معتادشده بود. هدف او ازدیدن زندان وزندانیان تا اگر زندانیی درسهولت باشد شکسجه عنایش را افزون نماید، مثلا خواهه بابو که مردریش سفیدو کهنسالی شده بود وازبزرگان ومعزین شمالی بود ونه سال رادرزندان بازنجیر وزولانه درپاها ودهستهای سپری کرده بود، یک چهارشنبه عصر که هاشم از مقابل سلولش میگذشت برخاست واز عقب پنجره صدا کرد :«صدراعظم صاحب، صدراعظم صاحب! نه سال شده که بدون گناه درزندان مانده ام، زن وفرزندنامن را ازین برده اند،مال ومنالم راضبط کرده اندوجیزی براین نمانده وجیزی هم نمی خواهم، فقط لطف کنید که درین پیروی واتوانی مرارها کنید، من گناه دیگرنکرده ام، فقط زنها و ناموس شمارا حراست کردم، ازخدا ترس کنید که ریش سفیدشده ام ».هاشم غضب شده فرمان داد که درهمان ساعت خواجه بابو را که سخت ناتوان بود کو ته قفلی نمایند ! هاشم هرچهارشنبه یکی دوزندان را امر کو ته قفلی میداد. کوته قفلی آن بود که زندانی تا که میبرد اجازه دینن بیرون از سلولش رانداشت وهم کسی ازبیرون اجازه دیدن اورانداشت وسراجم درهمان کوته جان میداد وبازنجیر وزولانه دفن میکردند

خواجه بابو نوادۀ میرمسجدی خان یکی ازقهرمانان کشوردرمرکۀ بانگلیسها برای آزادی وطن بود، در کابینۀ شاه حبیب الله کهدامنی سمت وزیرداخله راداشت وجنان مردصادق وامانکار بود که وقتی شاه کهدامنی ارگ شاهی راتخلیه وبه جبل السراج رفت، خواجه بابو ازرفتن ابا ورزید و گفت من وزیرداخله هستم وظیفۀ من اینست که این زنها دخترهایی که درارگ باقی مانده ومردینۀ شان فرارکرده اند حفظه کنم تا کسی به ایشان اذیت وآزار نرسانند، این زنهاودخترها، زنان ودختران خاندان نادر وشاه محمودبودند که خودشان فرار کرده به انگلیسها درجنوبی تسلیم شدند وزنهاودختران خود رانهارها کرده بودند!

عطش ظلم واستبدادهاشم به جور وپیدادی که زندانیان دردهمزننگ می کشیدند فرونتشت وصدراعظم کبیر؟! درصددشد تا زندانی بسازدکه درآن از هوا وفضای آن خفه شوند ودوستان شان (پایوازا) انکام دیدار شانرا نداشته باشند. اوبرای برآوردن آرزویش، مهندسان ایتالوی وآلمانی را که دراعمارچنین زندانها مهارت داشتند، استخدام کردوآنچه میخواست برایشان گفت. این مهندسین بعداز مطالعات دقیق، محلهٔ پلچرخی کابل را که میدان سوزان، خشک وبی آبی بود انتخاب نمودند. این دشت درتابستان آفتاب کشنده ودرزمستان برودت وسردی آن از استخوان میگذشت ودر آنزمان رفت وآمد از کابل به آتجانامسکن بود چون کسیکه آتجامیرفت همروزه بکابل بازگشت نمیتوانست وشب را بایددرجایی سپری می کرد. هاشم ازین انتخاب سخت خوشحال شد، بخصوص اینکه زندانیان ازدید وادید پایوازان محروم میشدند، اگر کسی ازدوازدۀ ظهر درآجایی بود ازگرمای هلاک میشد، هاشم فیصله کرد که این زندان طوری ساخته شود که گنجایش بیش ازسیزده هزار بندی را داشته وجای برای زندانی کردن چهارصدفامیل رانیزداشته باشد! ممکن در آنزمان نفوس کابل بهمین اندازه بوده باشد .

این اولین بار در تاریخ بشریت بود که سلولهای زندان فامیلی طرح شده بود که

داکتر محمداعظم افضلی
فریمونت – کالیفورنیا
ناتوانی های حکومت وحدت ملی

مقولهٔ مشهور مردمی است: دودادشاه در یک اقلیم نمی گنجد! زیرا ۱- عدالت زوال می یابد، ۲- ستم طغیان می کند، ۳- بحران اداره وسیع میشود. دوموضوع فوق باتشریح بحران اداری، جزو عمده و اساس اختلافات بین دوقوه را ایضاح میکند.

آقای رییس جمهور باموقبیت کاذب درحدود ۲۰تا ۲۵ نفر مشاوربرای خود در امورمختلف اداری تعیین نمود، یکعمدادزین قماش کسانی اند که برای ریاست جمهور قصدا کاندیدشدنه بودند، امادراساس درجملهٔ طرفداران آقای غنی بودند ودر روزهای اخیر، رای خودرابه جناب شان بااحساس طرفداری وهمکاری مطلق تقدیم کردند! متناقی براساس ارتباط قومی، ستمی، لسانی و یارفاقتهای سابقه ازجانب خود آقای رییس جمهور، بامعاش دالری وامتیازات فوق العاده تاحال به خدمت ریاست جمهورقراردارند که تعیین وزرا، سفرا وغیره ازوظایف عمدهٔ مشاورۀ شان بشمار می رود.

برخلاف داکترعبدالله هرقدیرمجادله کرد که تعیین وزرا وغیره ازوظایف قوهٔ اجراییه است، چون مرئی نداشت پیشنهادهایش ردگردید. علاوه ازین، رییس جمهور متیقن بود که وظیفۀ داکترعبدالله تاخیرماه سنبله امسال ختم میشود وخودش به قدرت تام درجوگی ریاست جمهور تا پتصال دوره باقی میماند. این نزاع درداخل ارگ مدتی دوام کرد وبا هر کدام ازین دوتفر جداگانه گفتگو نمود ودرآخر برایشان هدایت داد که نسبت به بحران موجود، هردومقام ریاست جمهور وریاست اجرایی برای پنجسال است !

فیصلۀ وزیرخارجۀ امریکا مشاورین و طرفداران غنی احمدزی را شوکه ساخت، و مثل اینکه آب بالای آتش ریختانده شود، کورهٔ آتشین مشاورین ریاست جمهوری رابخاکستر مبدل کرد. درنتیجه مقام ریاست جمهور برای آنکه حریف را از خود دورسازد، داکترعبدالله را بحیث نمایندهٔ افغانی درچندین کنفرانسهابه کشورهای چین، ترکیه، تاجیکستان وهندوستان معرفی نمود. درغیاب داکترعبدالله برای وزارت دفاع ملی یک وزیرسرپرست وبرای ریاست امنیت ملی یک رییس سرپرست تعیین نمود. بالین تحول جدید، حکوت پوشالی پاکستان دست بکارشد وازطریقۀ های مختلف وبامشوره با اجتههای شان که درستون پنجم، دولت افغانستان اختیار تام دارند، به دفعات طالبان خونخو و جانی، این ستوران جاهلیت را از راههای مختلف به داخل افغانستان فرستاد که درولایت بغلان درناحیۀ دندغوری طوریکه چندماه قل توسط وزیرقبایل، (گلهابه روبتان) گلاب منگل دعوت شده بودند جابجا شوند ومنتظر اوامر بعدی باشند که درهمان ناحیه (ولایت بغلان) فاجعه یاقربنند تا زمانیکه این ولایت نیزمانند قنذر سقوط کند.

بدیختانه از یک ماه به اینطرف هرچه مردم منطقه، افراد امنیت که محاصره شده اند وخودوالی بغلان به وزارت دفاع وداخله ازخطرات زیاد اطلاع میدهند اماکسی نمی شوند ! و اگر بشوند بازهم اختیار ارسال عسکرو تجهیزات راندارند، وبالاخره اگر قوهٔ امنیت یامردم منطقه تلف میشوند، برای دولت چه فرق میکند. یکعمداد جوان ومردم زحمتکش ازین میروند، میگویند این مردم ازجملهٔ ما نیستند !

خوانندۀ عزیز! بنگرید که بحران اداره، تراکم تقاول وتجاوز ودردماندگی و نابسامنگی در تدبیر ملک ونظام چطور عدالت زوال میگردد وستم طغیان میکند، لذاباجنگهای تحمیلی، مشکلات اقتصادی هویداشده، کیفیت زندگی قاطبۀ مردم طور محسوس پایین آورده میشود، وطبق دستورصدراعظم سابق وطن، سردارهاشم ملعون، تامتوانید مردم را گرسنه نگاه کنید، ورنه بالای جان تان خواهد شد !

آبابالاخره بایهانه آشتی وصلح، حکومت وحدت ملی دو گانه به سه گانه تبدیل خواهد شد؟ به گمنۀ دانتسمندان : مثلی که قطار وتوتل باهم ازدواج کنند، وبابالین جملهٔ پرمعنی، مقاله راحتم مینمایم : « اختلافات طبقاتی بین مرغ وخروس حل نمی شود !! »/.

که اگر کسی رابندی میکرد، فامیل وعیالش را درزندان دیگرزندان میگرد، مثلا زمانیکه ملک قیس غنی گویانی، میر زمان خان کبری، حسن خان گردابی مومندی را زندانی کرد، زن وفرزندان شانرا درزندان دیگری زندانی کرده بود، وهمین کارابر خانواده های غلام نبی خان چرخي ورامردبزرگ عبدالخالق قهرمان هم انجام داده بود. شادروان انداخلیلی این دورهٔ ظلم وپیداراداید داشتهای گرانهای خودچنین بیان میدارد :« این محشر بودومحشر بود بالای خانواده های مردم، اطفال گناهی نکرده بودندونها گناهی نکرده بودند ورسم هم نبود ابدا این بدعت درهیچ زمانی نبوده است، حتی امیر عبدالرحمان خان باهمه سختگیربهای که داشت زن واطفال مردم را زندانی نمیکرد... ومن بدیخت خیال میکردم که اینکه زن وفرزندمرا به زندان برده اند... »باید یادآورشد که این زمانییست که هاشم، شادروان استادخلیلی رادرزندان انداخته بود، قضا را که هاشم مرض شدومرد وبه هوس ساختن زندان پلچرخی نرسید، امیرادرزاده اش داوود که درجور واستبداد پرورده وتربیت دیدهٔ او بود، این زندان راعمار کرد تا رزمان کاکای ستمگرش رابر آورده ولعنت ابدی نصب خودو اونموده باشد!

پسناظر حکیم سالیان قبل براین حکایه کرده بود که از زبان پدرش که ناظرهاشم بود، شنیده که هاشم به اندازهٔ انسان ظالم ویی مروت بود که درصدارت همیشه بالای میزش یک قمچین داشت که دستهٔ آن مرصع بود، هروقتی حرف رییس دفتر یاناطری خوشش نمی آمد آنان را با قمچین مثل خرواسف قمچین کاری میکرد. به تائیداین گفتارپس ناظر شادروان استادخلیلی چشمدیدخودرا در یادداشتهایش چنین حکایه نموده است: « درصدارت مامیدیدم که آوازقمچین وشلاق وققاق می آیدو میگفتند سردار(هاشم) خشم گرفته به فلان ریس امروز واوراقفاکاری کرده است وفلان رییس راشلاقکاری کرده است، این آقای غلام سخی را که بعدا معاون بانک شد ومدیرعمومی محاسبه دروزارت معارف بود یک روز زیر شلاق گرفت، یک کس دیگرفرهاد نام داشت وکیل التجاره پشاور بود، یکروز بدون محکمه ومحا که در صدارت زیرقمچین وشلاق افتاد ومشل اینکارها زیاد کرد.»

جای تاسف وتالم است که این دودمان مزدوراجنبی پرست بامردم افغانستان نه مثابهٔ بردگان بلکه به مثابهٔ حیوانات برخورد میکردند و جای شرم ونگ وعاراست که درصدارت یک کشوربعض قانون، شلاق وقمچین حکمفرمایبود، این رامیگویدن قانون جنگل، دورهٔ وحشت، دورهٔ که محمدظاهرشاه پادشاه بود، ومتعصبینی چون اسماعیل یون وقبیله پرستانی چون حامد کرزی وتبعیض گرانی چون اشرف غنی احمدزی وزلمی خلیلزار بهمان دوره دورهٔ طلایی نام نهاده اند تا مردم را فریب داده حقایقی را که در کشور گذشتۀ است، کتمان نمایند. تلویزیون متعصب ژوندن نیز یوسته از آن ددمنشان وددمنشان امروز ستایش میکند وسایر مردم کشور راهمیشه تحقیر وتوهین مینماید. / (دنباله دارد)

که ازجملهٔ سلسلهٔ این بخش اهدایی در رسانه های گروهی، دونوشۀ این دست در سلاهای قبلی اهدا برای جنابان و بزرگوران، سید فقیرعلوی که من آن جوان قدیم را (پیر مطبوعات) تذکار دادیم، وهکذا غلام حسین فعال، که فعالیت شان تاچندسال پیش مشهود بود، پیشکش گردیده، که درهمین جرییده وزین نشرشده ،و وامیدود هفته نامهٔ مردم افغانستان اقباس شده، برای کتاب من سیرژورنالیسم

داکتر عنایت الله شهرانی

بلو منگن – اندیانا

تاریخچه مختصر هنر در افغانستان (۶)

درقاشی بهزاد رنگهای سرد مانند سرمه یی، سبز تیز، فیروزه یی، سبز روشن، زیتونی، زرد، قهوه ای بیشتر بکاررفته یاترکیبی ازطلا وقره و رنگهای مختلف دیگر. این خصوصیات فوق رااستادحیبی در کتاب هنرعهذرتیموریان نیزذکر نموده است. مؤرخ بزرگ خوندمیر(مؤلف حبیب السیر ۱۴۵۷-۱۵۳۵م) گوید:

بهزاد اشکال شگفت ونوادرصنعت خویش رادرمقابل ما مجسم میکند طراحی وهنرمندی او چون قلم مانی آثارهمۀ نقاشان دنیا رالازصفحهٔ روزگار سترده وانگشتان معجزه آسایش صور وقوش همهٔ صنعتگران ونقاشان وفرزندان آدم رامحو کرده است. مویی ازقلم او به مهارت واستادی باشکال ییجان جان می بخشد.

موی قلمش ز اوستادی جان داده به صورت جمادی

بلوچه در کتاب پینتینگ Paintingدربارۀ بهزاد واسلوب کارش نوشته است: کار های مکتب بهزاد درعصرحسین باقرا درخشش بی مانندی دارد. سبک هرات صحنه های جنگ رامخصوصا زدوخوردهایی که سواران درانتای محاصرهٔ شهرها یجان همدیگر می.رند، آقدرعالی و بکر ترسیم کرده که اعجاز کار اورا روشن جلوه میدهد.

سرپرسیساکسس دربارهٔ تشابه رنسانس اروپا وهرات اشاره نموده و نگاشته است: من قصد دارم دربارهٔ نتایج رنسانس درخشان دورهٔ تیموری که درهرات مرکزیت داشت وباحیای مجدد مشابهی که دوره های تاریک اروپا رادرهم میشکست مختصرتصره نمایم. به یک نگاه هردوجهان ازهم متفاوت است، زیرارنسانس هرات بااخلاص زایدی به مذهب اسلام منطبق گردیده، درحالیکه رنسانس اروپا در مقابل مذهب عیسوی به علت خوتر ساختن او به میان آمده است.

همچنان رنه گروسی دانتسمندفرانسوی راجع به مکتب بهزاد درتبریز واحترام منزلی که نزدشاه اسماعیل صفوی داشت تحریرات زیادی کرده است. وقتیکه شاه اسماعیل هرات رادرسال ۹۱۶ه قمتصرف شد، بهزاد راباخودبه شهرتبریز بر. (تبریز از شهرهای مشهور آذربایجان جایی که صایب تبریزی، شمس تبریزی پیرمولای بلخی رومی، شاه صفی الدین ولی، شیخ محمودشستری وغیره در آن محیط نمو کرده اند). شاه صفوی امور کتابخانۀ دربارشاهی رابه بهزاد سپرد. یکی ازشاگردان بهزاد شاه طهماسب پسرشاه اسماعیل بود که همواره باجمع غفیری ازهنراو وتعلیمات اوبرخورداربودند. البته قبل ازعزیمت بجانب تبریز، استادبهزادشاگردان زیادی رادرهرات پرورده است، قاسم علی هروی واستادمحمدی که ازشاگردان معروف او بودند قابل یادآوری میباشند. قاسم علی ازنقاشان زبردست مکتب هرات درقرن نهم ودهم هجری میباشد که قاضی احمد قمی اوراجزو استادان مشهورممالک خراسان مثل خواجه میرک و مولانا حاجی محمد واستادبهزاد شمرده گوید: مولانا قاسم علی نقاشی رادر کتابخانۀ امیرکبیرعشر کسب نموده وبه سبب تعلیم ایشان گوی سبقت از اقران ربوده ویوسته درملازمت امیرکبیر کمرخدمت بسته بود. (گفتار فوق از قول استادحیبی).

خصوصیات کار بهزاد: ۱- ریزه کاری ونهایت باریک بینی چنان باریک نگری و دقت کامل در کارها که هیچ بینندۀ نمی تواندایراد و انتقادی درظرافت ودقت در کارهایش را بنماید. ۲- دقت و درستکاری در تمام کارها بدون غلطی، ۳- حیات پخشیدن درصحنه ها، صحنه های مجالس، جنگها ومناظر، ۴- رنگ آمیزی های مختص بخودش، آقدردرنگ آمیزی استادمهارت دارد که گویی هرقطهٔ مقابل راروح پختی کرده است، ۵- استادبه دورنماها به مانند ریالیست هاوقمی نمی گذارد وسبک واقضای مراعات دورنما رانی ننماید، ۶- رنگهارا که استادبهزاد بکاربرده، عموما ساختهٔ خوداومیباشد ودوام آن رنگهازیاد است وهرگذرد رنگ آمیزی های او خطایی دیده نمیشود. ۷- برگهای درختان، مویهای سر، ریش هاودیگر ریزه کاربهای بهزاد سحر آفرین است وقدرت خارق العاده یخرج داده شده است، ۸- بهزاد و پیروان او سعی میکردند تاشخاص روحانی ویزرگان رادریک نیم دایرهٔ که اشعۀ آفتاب در آن نمایان است واتمودسازند، ۹- بهزاد انشاهارایک جانب بصورت پروفایل ترسیم می نماید، ۱۰- قدرت ترکیب رنگها واستعمال گونه های مختلف رنگهدار یک تابلوازقدرتهای قاهرۀ استادبهزاداست.

نظریات انتقادی دربارهٔ بهزاد : دربارهٔ استاد بهزاد نظرات انتقادی خیلی کم است، یگانه نظری که استادحیبی به آن در کتاب ظهیرالدین محمد باب(تالیف استاد حبیبی) ذکر کرده اینست که بابرشاه پادشاه باسواد و عالم تیموری درهندومولف کتاهاومختی ع خط باری دربارهٔ بهزادچنین گوید: استادبهزاد وشاه مظفر درتصویربه سعی واهتمام علیشریگ این مقدارمعروف ومشهورشدند، ازمصوران بهزاد بود، کارمصورى رابسیار نازک کرد اماچهره آرایى بى ریش رابد میکشاد، غیغ اورا بسیار کلان میکشید، آدم ریشدار راخوب چهره کشایی میکرد.

آثار بهزاد: کارهای بهزاد خیلی نایاب و کم پیدا میباشد، برخی از کارهای اومفقود است وتعدادی که پیداشده امضای بهزاد در آن مشاهده میشودوبه واقعبیت یکعمداد آن امضاهاودستخط های ساختگی وجعلی میباشند. دونسخۀ واقعی کاربهزاد یکی حمسهٔ نظامی گنجوی که فعلا در موزۀ انگلستان ودیگری بوستان شیخ سعدی است که در ۸۹۳ه به اتمام رسیده ودر کتابخانۀ قاهره میباشد.

برخی از آثار دیگر استاد بهزاد : باغ بهشت. تصویر ضحاک، تصویر سلطان حسین باهرا، شش میناتور درظرفنامه یا تاریخ امیر تیمور، پذیرایی شیرین، محمد خان شیبانی اوزبیک، جنگ دوشتر مربوط قصر گلستان ایران وغیره که هر کدام بااسنادی منسوب به هنرخط بهزاد میگردند./ (دنباله دارد)

مشتاق احمد کریم نوری

فلشنگ – نیویارک

گرداننده وگوبنده برنامهٔ تلویزیونی درپجۀ سخن

سخنی در باب مطبوعات

سلسله در باب مطبوعات که در شمارهٔ قبلی هفته نامهٔ وزین امید نشر گردید واخیرۀ آن با و به پایان رسیده بود، در حالیکه از بقیهٔ آن و ادامهٔ این باب، که در آن شماره یاد اوری نکرده بوده، به هرحال این سلسله ادامه خواهد داشت تا درقید اثری که زیر کارم است شامل گردد، اینک باتشر قسمت دوم که ازطرف صاحب این قلم اهدایی است به دوست دانشمند و ارزشمندم جناب پروفیسر داکتر عنایت الله شهرانی فرهنگی شایسته وهنرمند فرزانه وشخصیت چندبعدی که عمر پربار وباسعاد خود را برای ارج گزاری و خدمت گزاری به باروری وغنماندی فرهنگ ارزنده وهنرفروزندهٔ مان وقف نموده، راقم این سطور استاد شهرانی را از ازماینکه محصل پوهنتون کابل بودم و اوشان استاد و امردیارتمنت هنرهای زیبای دانشگاه کابل، که بعدها با شجاعت وجسارت آن کانون فرهنگی وهنری را به دانشکده تبدیل نمودندمی شناسم، هکذا مدتی مدیداست که در مطبوعات با هم شناخت داریم وهمکارهستیم، درضمن اززمان تشکیل اتحادیۀ سراسری هنرمندان افغانستان که رییس عمومی آن اتحادیه انتخاب شدند، به صفت معاون اتحادیه باهم همکار هستیم، بادب اخلاقی،مهربانی،فروتنی، دانش وخلق نیت شان آشنایی دارم، ایشان برای اثر مطبوعاتان که زیر کارم است، با چند دانشمندارزشمنددیگر، تقریظ زیباتر شده اند، در ضمن چند سالی است که مقالات من که درآستانۀ سوم می روز جهانی مطبوعات، دروسایل ارتباط جمعی نشر میگردد، شکل اهدایی داشته، برای آن پیشکسوتان ویزرگان ورطهٔ

بازگشت همه به سوی اوست.

– وفات شادروان امیرحسین حسن زاده رادرورجینیا به مادر و پدر داغ‌دیده اش و خانواده های محترم حسن زاده، صانعی، فریادی، ذکا، قادری، احمدی ونجم صمیمانه تسلیت میگویم .
امید

به یاد شادروان محمدعصیم کوشان، که همکارمهربان امیدتا روز پیوستنش به حضرت حق (ج) بود .



شادروان محمدعصیم جان بابراذر بزرگش محمد قویم جان (۱۹۹۸)
نوراحمد ملال، از کالیفورنیا : برادرمحترم آقای کوشان ! حادثهٔ غم انگیز وضایعهٔ بس دردناک محمدعصیم جان، که نه تنهاشما بلکه همه خوانندگان امید رامتأثر ساخت، به شمتسلّیت گفته وبه این دردشما خود راهمدرد تان میدانم. چون مشیت و رضای خداوند (ج) بود، جز صبر وحوصله چارهٔ نداریم. خداوند اورا غریق رحمت فرموده وجایش را فردوس برین بدارد . آمین

استاد واصف باختری در گفتگو با شفقنا

کلام مولانا جلال الدین بلخی مملو از نور عرفان اسلامی است لوی انقلابی عظیم و ستودنی در شعر و ادب فارسی

هشتم میزان(مهر ماه) در برخی کشورها از جمله ایران ، روز بزرگداشت مقام مولانا جلال الدین محمد بلخی(مولوی) نام گذاری شده است. به همین مناسبت به سراغ یکی از مفاخر ادبیات افغانستان یعنی استاد واصف باختری رفته و گفتگویی با وی ترتیب دادیم.



جناب استاد واصف باختری

استاد واصف باختری که اکنون بیش از ۷۰سال از عمرش می گذرد، کارنامه ای درخشان در فرهنگ و ادب افغانستان دارد. او عَمَل است که در عرصه ادبی و فرهنگی افغانستان حضوری فعال دارد، شعر می سراید، مقاله می نویسد و رهنمونی واقعی برای جوانان و شیفته گان ادبیات پارسی است.وی با تبریک روز بزرگداشت مولوی به همه اهل ادب و عرفان ، درباره مولانا جلال الدین بلخی گفت: سودای مولانا، سودای خوش قرب به حضرت حق بود؛ وجودی لبریز از عشق و آتش که نه تاب هجران از دوست را داشت، و نه می توانست عافیت نشین سایهسار غفلت باشد. استاد باختری افزود: مولانا، جان فرشته‌واری بود که قفس تن را شکسته می‌خواست؛ انگار آدمی از عالمی دیگر بود که غربت خاک، دام‌گیرش شده باشد. چگونه می‌توانست زنده باشد، بی‌یاری و بی‌یاد یار؛ که تمام زندگی‌اش جلوه‌ای از او بود.وی گفت: مولانا، زندگی خود را وقف بزرگداشت نام عظیم و اعظم جان جهان کرده بود؛ هر چند به رنگها و گونه‌های متفاوت؛ گاه در کسوت شریعت و زمانی نیز در جامه طریقت.

ادیب و شاعر سرشناس افغانستان درباره روحیات معنوی مولانا اضافه کرد: زندگی او همچون سرود پرشور روحی سرکش بود که با فراز و فرودهای عرفانی –حماسی سرشته شده باشد. آ یا او اجل‌دش، نسل در نسل، منظمه روحانی و تائباتی بودند که چراغ دل را به آتش عشق حق زنده نگهداشته بودند. دلدادگانی رها از تعلق خاک، و رهروان راهی که مقصد ان بحر توحید بود.واصف باختری مولانا را شخصیتی عارف و آشنا به اصول عرفانی معرفی کرده و گفت: جلال الدین از اوان کودکی تا آن هنگام که دانشمندی محترم و محبوب در شهر قوینه به شمار می‌رفت، با اهل عرفان و طریقت آشنایی و دوستپها داشت و با اساس و اصول نظری و فکری آنان نیز بیگانه نبود؛ علم معقول و منقول زمانه‌اش را به نیکی آموخته بود، مریدان و شاگردان بسیاری داشت، امین مردم و معتقد خاص و عام و مرجع دینی شهر به شمار می‌رفت؛ وی درباره اوضاع شعرفارسی در زمان مولوی و پیش از آن گفت: شعر فارسی در دوره های پیش از مولانا با طلوع امثال رودکی ، عنصری ، ناصر خسرو ، مسعود سعد ، خیام ،اتوری ،نظامی ،خاقانی راه درازی سپرده ودر قرن هفتم هجری که زمان زندگانی مولوی است ، به کمال خود رسیده بود.

استاد واصف باختری تأکید کرد: شعر عرفانی هم در همین دوره به پیشرفت های بزرگ نائل آمده و بدست عرفای مشهوری همچون سنایی ، عطار و دیگران آثار با ارزشی مانندحدیقه ، منطق الطیر ، مصیبت نامه ، اسرار نامه و غیره پدید آمده بود.ادیب شهر افغانستان شناخت دقیق از مولانا را سخت عنوان کرده و تصریح کرد: مولوی را نمی‌توان نماینده دانشی ویژه و محدود به شمار آورد. اگر تنها شاعرش بنامیم یا فیلسوف یا مورخ یا عالم دین، در این کار به راه صواب نرفته ایم . زیرا با اینکه از بیشتر این علوم بهره وافی داشته و گاه حتی در مقام استادی مجزه گر در نوسازی و تکمیل اغلب آنها در جامعه شعر گاههای اساسی برداشته ، اما به تنهایی هیچ یک از اینها نیست، زیرا روح متعالی و ذوق سرشاره یش ژرف

موجب شده تادر هیچ قالبی متداول نگنجد.

واصف باختری عارف بودن مولانا را دلیلی محکم برای ماندگارش ذکر کرده و افزود: شهرت بی مانند مولوی بعنوان چهره ای درخشان و برجسته در تاریخ مشاهیر علم و ادب جهان بدان سبب است که وی گذشته از وقوف کامل به علوم و فنون گوناگون، عارفی است دل آگاه، شاعری است درد شناس، پر شور وی پروا و اندیشه وری است پویا که آدمیان را از طریق خوار شمردن تمام پدیده های عینی و ذهنی این جهان، همچون: علوم ظاهری ، لذا یذ زد گذر جسمانی، مقامات و تعلقات دنیوی ، تعصبات نژادی، دینی و ملی، به جستجوی کمال و آرام و قرار فرا می خواند. آنچه مولانا میخواست تجلی خلق و خوی انسانی در وجود آدمیان است که با تزکیه درون و معرفت حق و خدمت به خلق و عشق و محبت و ایثار و شوق به زندگی و ترک صفات ناستوده به حاصل می آید. وی ادامه داد: هنر بزرگ او بخت و برسی های دلنشین و جاودانه ای است که به دنبال داستان ها پیش می آورد و اندیشه های درخشان عرفانی و فلسفی خود را در قالب آنها قرار میدهد. داستان بهانه ای است تا بهتر بتواند در پی حوادثی که در قصه وصف شده، مقاصد عالی خود را بیان دارد.

استاد باختری با اشاره به تأثیر فراوان شمس تبریزی بر تکمیل شخصیت و موفقیت های مولوی گفت: مولانا و شمس مکمل یکدیگر بودند. یهوده نبود که شمس می گفت: «خوب گویم و خوش گویم. از اندرون روشن و منورم، آبی بودم بر خود می جوشیدم و می پیچیدم و بوی می گرفتم تا وجود «مولانا » بر من زده، روان شد. اکنون می رود خوش و تازه و خرم.»وی افزود: شمس، مولانا را با بافق دیگری از معنویت و عرفان آشنا کرد و روح او را در آسمانهایی برتر به پرواز درآورد. به دم او بود که خرمن وجود مولانا مشتعل شد و هر چیز غیر از دوست رنگ باخت و «ماسوی الله »«ذات فانی خود را آشکارتر نمایان ساخت.

این استاد شعر و ادبیات فارسی تصریح کرد: جوهره تعلیمات شمس بود که اگر «در سایه ظل الله در آیی، از جمله سردپها و مرگها امان یابی، موصوف به صفات حق شوی، از حی قیوم آگاهی یابی، مرگ تو را از دور می بینند می میرد، حیات الهی یابی، پس ابتدا آهسته تا کسی نشنود، این علم به مدرسه حاصل نشود و به تحصیل شش هزار سال که شش بار عمر نوح بود، برنیاید. آن صدهزار سال چندان نباشد که یک دم با خدا برآرد بنده‌ای به یک روز.»

وی درباره اثر جاودانه مولوی یعنی دیوان شمس گفت: غزلیات «شمسی » مولانا به تمامی، حاصل و ثمره چنین فضایی است. در مواجهه با این اشعار ما با شاعری نه به شیوه معمول سر و کار داریم؛ اشعاری که به لحاظ حس و حال و شور و هیجان در تمام طول تاریخ شعر فارسی بی بدیل و منحصرند؛ اشعاری که به درستی و راستی، همراه و همگام با ضرباهنگ درونی سراینده آن شکل گرفته‌اند، بی آن که شاعرش در قید لفظ و زبان خاصی مانده باشد.استاد واصف باختری افزود: دانستن این که در سخن او چه نوع موسیقی و قوانینی وجود دارد و استعاره‌هایش از کدام ستخند و هنجار گریز بهایش از چه نوعند، مشکل ما را در شناخت حقیقت شعر مولانا حل نمی کند؛ بلکه فقط شناختی سطحی از ظاهر کلام او را برای ما میسر می سازد. حال آن که بزرگوارانی همچون مولانا، همواره منکر چنین دلبستگی های ظاهری در زندگی بوده‌اند :

رو به معنی کوش ای صورت پرست
زان که معنی بر تن صورت پرست
وی در تکمیل گفته هایش بیان داشت: بیان این نکته به معنای عدم آشنایی مولانا با اصول و موازین شعر و ادب نیست؛ بلکه به گواهی ناقلان و آثارش، وی هنگام سرودن این شعرها از هوشیاری و منطق حسابگرانه آدمهای معمولی و شاعران معمولی به دور بوده است. نه وزن برای شعرش انتخاب می کرد و نه برای ریم و نوع بیان و ترکیبات و تخلیش حساب و کتاب منطق شعی زمانه خود را به کار می‌گرفت.این شاعر و ادیب بلند آوازه افغانستان کلام مولوی را مملو از نور عرفان اسلامی دانسته و گفت: معارف عرفان اسلامی در جریان سیال ذهن مولانا می جوشد ودر عرصه امکان سخن، مجال ظهور می یابد. هر سخنی، سخن دیگر را تداعی میکند؛ قصه‌ای در قصه‌ای، نکته‌ای در دل نکته‌ای دیگر و بدینگونه است که هزار توی مثنوی درساختار شرقی وحدت درعین کثرتش شکل میگیرد. گفتگو با سایت شفقنا

روژه مصر نیست (دنباله از صفحهٔ ششم)

لهذاماه رمضان تنها ماه بسن دهن ازصرف غذا و نوشیدن مشروبات نیست. درسال ۱۹۹۴حدود پنجوا نفر دانشمندان، ساینسیستها ی مسلمان وغیرمسلمان از نقاط مختلف جهان در کانگرس بین المللی رمضان درکاسابلاتکا(۱) کشورموناکودور هم جمع شده صحت رادرین ماه تحت بحث و مناقشهٔ علمی قرار دادند. در پایان کانگرس به این نتیجه رسیدند: «روژهٔ ماه رمضان اکثر ناخوشی های طبی را بهبود بخشیده هیچگاهی و خامت حالت طبی موجوده و یا حالت صحی بنیادی را سبب نمیشود.»

و باز در اکتوبر ۱۰- ۱۲ سال ۲۰۰۱ کنفرانس علمی دیگر در دانشگاه اصفهان ایران(۲) برگزار شد و روی صحت و رمضان بحث های علمی صورت گرفت.)۲(

متأسفانه در یک ویسایت ایرانیهایی که پیرو اسلام نیستند در ویب سایت خوداز قلم Lisa Littleعضومنی را که در آرنج کونتی ریجستر(۳) در روز شنبه سوم جنوری ۱۹۸۶ به نشر رسیده بود دوباره پخش نمودند که بجز(افسانه و اغوا) و پروا بگند به ضد رمضان چیز دیگر گفته شده نمیتواند و از قرینه برمی آید که اکثر همان افسانه و اغوا را نویسنده وخشو (پیامبر، زرتشت؟) دوباره اقتباس نموده به نشر سپرده است.
داکتر غلام محمد دستگیر (۴) در جولای ۲۰۱۱ و رمضان ۱۴۳۲ رسالهٔ کوچکی در زبانهای فارسی و انگلیسی تحت عنوان رمضان و صحت یا Ramadan and Healthبا معلومات مستند ومحقق بطبع رسانیده ترجمهٔ فارسی دری آن درامید، هفته نامهٔ مردم افغانستان و هم درسایت آرایایی به نشر رسیده است.
درین اثر از جملهٔ مرور ۳۵۰ مقالات علمی درین باره فقط از ۵۳ آن استفاده شده است. درینجا بیکسمت محدود آنرا تقدیم میدارم تا مسلمانان جهان بدانند که روژه مضر نبوده برای صحت مفید است واز «افسانه واغوا» که دشمنان اسلام فقط برای اغواگری جوانان ما تاپه زده اند، فرسخها دوراست.

درینجا سعی میوزم، تا دربارهٔ تأثیرات فزیولوژیکی روژه، تأثیرات روحی و سایکولوژیکی روژه، مفاد صحی ادای نماز تراویح، چه نوع ادویه و مواد روژه را نهی نمی کند و کدام مریضان از گرفتن روژه در رمضان معاف اند سطری چند حضور تان تقدیم نمایم:

۱- تأثیرات استقلانی یامیتابولیسم ماه مبارک رمضان:
استقلاب یا میتابولیسم یک عملیهٔ مغلق کیمیای و انزایمی بوده همه خورا که های را که ما صرف میکنیم مخصوصاً شحم، قند و امینو اسید (پروتین) در اثر تعاملاتیکه در Krebs cycleمیدهد.البآخره این موادبه آب و کاربن دای اکساید تبدیل شده در جریان تولید انرژی صورت گرفته؛ آب از طریق ادرار و کاربندای اکساید از طریق ریه ها

طرح میگردد. تغییرات حاد و مزمنی که در اثر عوامل مختلف بارمیآید انومالیهای استقلایی را سبب شده میتوانند.

در ماه مبارک رمضان اگر مقدار مکفی نوشیدن آب بعد از افطار تا سحر صورت

شرح اشتر اک هفته نامهٔ امید
Omaid Weekly
P.O. Box 30818
Alexandria, VA 22310

ایالات متحده: ۶ ماه (۴۵)دالر- یکسال (۹۰) دالر

کانادا: ۶ ماه (۵۵) دالر = یکسال (۱۱۰) دالر

سایر کشور ها: ۶ ماه(۶۵) دالر- یکسال (۱۴۰)دالر

سخنی در باب مطبوعات (دنباله از صفحهٔ پنجم)

وقف نموده اند ،شخصیتهای پرمایه و نخبگان گرانمایه و بی ادعای که در زندگی پربارشان قنر شوند، ولو که اندک در حرصه شان گفته شود،هرچند که به صورت صحیح به هیچ وجهه نی‌شود، که در مقابل شان ادای دین نمودولی از انجاییکه در افغانستان، طبق گفته شهیدمحمد هاشم میوندوال که درافغانستان مردهء بدو زندهء خوب وجود ندارد،همواره اوضاع و احوال قسمی رقم زده شده، که اززندگان و اهل درک، مدرک ومسلك کمترقدردانی، یادآوری وتجلیل صورت بگیرد،درحالیکه هستند، کسانیکه به فضل الهی درقیدحیات اند، ولی که انگار که گویا خدا ناخواسته نباشند و یا نیستند،در این سالهای پسین که هیچ کاری در عرصه حکومتداری خوب و نعوذپریت راست و درست انجام نگر دیده،ولی در قدرت ودولت حضور داشته اند، لهذا به خاطر آنکه خود را روسفید جلوه بدهند، میگویند که ازادی بیان و ضرورت ایجاب ایجاددمو کراسی، نتیجه کوشش وتلاش اوشان بوده، در فضا و هوای رها شده کنونی، حتی و کیلی که یاد یگارد هایش خبرنگاری را لت و کوب میکند، میگوید، که برای دوام و قوام آزادی بیان گویا که التزام دارند، چون به خلوت میروندان کار دیگری کنند ولی از تریونهای قورغ شده شان وعظ ونصیحت میکنند، و کار شناس و کار دان و کار کشته جازده میشوند، واحیاتا کدام تغییراگر در سطح آزادی بیان بوجود آمده باشد، بدطولا دارد، و مربوط و منوط به چند نفرخاص نمیشود، درست است که اضافه ازسه صدتشر به دهها ایستگاه واسپیشن صوتی و صورتی، درفضا وهوای رقم خورده کنونی، که بیش از چهل کشورجهان در کشورحضورنظامی دارند، ولی در داخل نظام ورده های بالایی اشخاصی ظهور وبروز نموده اند، که مفکوره قرون وسطایی دارند، ودموکراسی رابه دخترهمسایه می خواهند، ولی برای زادگاه وخاستگاه خودبجز ازسلطه وسبطرهء خود و هم قماشان شان، به چیزی کمتر از آن هم قناعت نمی کنند و این ترتیب ارزشهاری را بی ارزش.
ضدارزش ساخته، بر مغز های خواب برده شان سیلی میدارباش میزنند، گپ ازحق وحقیقت میزنند،وسخن از حکومت مردم برای مردم میگویند، ولی در اصل دشمن آزادی بیان و دو کراسی اند، و شرایط بدست آمده را وسیله برای ارتزاق و اشتیاق خودمی دانند، لهذا باید دانست که غاصبان و ظالمان آزادی را رایگان نداده اند و نمیدهند،بلکه مظلومان باید آنرا همواره خود بدست آورند، به قولء سید جمال الدین افغان آزادی گرفته میشود، داده نمیشود،هنوز که هنوزاست درین فراز و فرود زمانه مسیر دشوار و طولانی در پیش است تا زمانیکه امانات و امورات به اهل آن سپرده شود وعقلایت، محبت، مصونیت وعدالت درذهن وضمیر اکثریت نهادینه گردد، ولی هستند بزرگانی که با عزم و ارادهء استوار و اهنبین به صید حوادث شتافته اند و برکج رویبها وسباهپناه گفته اندوبرای آوردن حق ، حقیقت، عزت و اصالت لحظه فرو گذاشت نموده اند، وهمواره در کار و پیکاریبوده اند، بلی در معرفت ومطلوعغات آزاده ما معنی پرواز چنین است، با بال شکسته به هوای تو پریدن و تپیدن، کشوریکه درضعفءمدیریت ، سوق و اداره ضعیف و عدم امنیت در باتلاق تعصب و حقه بازی غرق است، و در صلدء جلوهء کشور های فاسدهء جهان سال به سال قرار گرفته می رود، ده قولءلرد اکثن فیلسوف انگلیسی که گفته، قدرت فساد می آورد و قدرتء مطلق فسادء مطلق،و گوشه گیری و به مه چی گویی از مقاومت و مبارزه به قول نیجه همین خواهدشد که بی مایه تر بنها و پسترنها بر تو حکومت و سیاست خواهند کرد، چند روز قبل در بلخ شخصی جمعه خان همدرد را که هر وقت درد میآورد، مرد قلم و اندیشه خطاب نمود، خوب وقتی تره کی تیور بسن شرق قلمداد شودواشرف غنی مغز متفکر پنداشته شود، و گلاب منگل مبارزهء خستگی ناپذیر، پس همدرد، چه کمی دارد؟ به هر حال اوضاع و احوال از مدهتها است که بدین منوال ادامه دارد، هر کسی روی صحنه می آید سازخودش را میزند، اما مهم این بوده وهست که اهلء واقعی قلم و کلام به زیر باره هر ساز و آوازی کله جنبانی ننموده اند و فقط برای روشن کردن اذهان عامه وبه کرسی نشاندن حق وعدالت عاملانه و عادلانه در تلاش و کوشش اند و برای پیاده کردن اصل اصیل ژورنالیسم همیشه در فعالیت،جسارت، وضاحت وممارست بودند وهستند، این سلسله درباب مطبوعات، در مقال و مجالء دیگر انشاءالله دنبال خواهیم نمود با حرمت وارادت کریم نوری معاون اتحادیهء هنرمندانء افغانستان /

نگیرد و یا کارهای فزیک
ی در جریان روز بعمل آید
بدن به کمی آب یا dehydration
عصب میگردد. این کمی آب غلظت خون را بلند
برده hemoconcentration
! بار میآورد. علاوه تا در اخریمه
مبارک رمضان تغییرات ذیل رخ میدهد
که به مفاد صحی عضویت میانجامد.
وعبارتند از:
کولسترول عمومی. کولسترول بد یا LDL،
پروتین مجموعی، کریاتینین،
ترایکلیسیریدها، شکر خون، و ترسب
کربوات سرخ یا ESR
پایان آمده، کولسترول خوب یا HDL
و لنفوسیتها بلند میروند، در حالیکه
بوریک اسید، البومین، انزایمهای جگر مانند
ALT,AST,ALP، هیماتوکریت، CPK،
لو کویت های مجموعی، پللتیت ها،و گرانولوسیت ها
بحال خود مانده کم و یا زیاد نمی گردند(۵,۶,۷,۸,۹,۱۰).

اگر روزه دار، بین افطار و سحر آب و مایعات مکفی نوشد
عضویت وی امکان دارد به خطر کم آبی
معروض گردد(۱۱).
لهذا، روزه دار این نکته را متوجه
شده جدی بگیرد. در صورت نوشیدن آب و مایعات
مکفی بدن میتواند که به درجه های مختلف
دیهایدریشن مصاب گردد:
اگر کم آبی ۵٪ باشد فرد تشنگی، خشکی
دهن و یک اندازه خشکی جلد را حس میکند(
مخصوصاً در آخر روزه دستگیر).
اگر کم آبی بین ۵- ۱۰٪ رخ دهد
ضریان قلب بلند رفته، فشار خون
پایان میافتد. اگر روزه دار
دفعهٔ تغییر وضعیت دهد
برایش سر چرخ ی خفیف رخ میدهد
و اگر کم آبی از ۱۰٪ بلند تر شود
روزه داربه شاک میروود(۱۲).
بنابه هروقتیکه یکی ازین
علام از طرف روزه دار درک
میشود باید بلادرنگ آب و مایعات
نوشیده به روزهٔ خود پایان
دهد. در روز یست وهشتم رمضان
روزه داریکه آب و مایعات مکفی
نگرفته است؛ غلظت خون شان بلند
رفته، زمان نزف خون یا
bleeding time
و زمان لخته شدن خون یا clotting time
بلند رفته اما از جلود فز یولوژیکی
خود بیرون نمیروند(۱۳)

مادر شیر دهنده بطفل، باید روزه
نگیرد. اما هستند کسانی که
نمیخواهند از دیگران عقب مانده
روزه بگیرند؛ اینها بدانند که:
کمی آب سبب تولید کمی شیر
شده در ترکیب شیر
تغییرات رخ میدهد. شحم شیرو
دیگر micronutrientتنقیص
نمایداما در مقدار
macronutrientها مانند
جست، مکینزیم، و یوتاسیم(دنباله
درص ۸)

کتاب (یادداشت‌های استادخلیل الله خلیلی) توسط بانوماری خلیلی ناصری و آقای افضل ناصری،به تازگی به زبان انگلیسی ترجمه شده است. علاقمندان میتوانند یک نسخهٔ آنرا از مرجع ذیل بدست بیاورند :
Memoirs of Khalilullah Khalili: An Afghan Philosopher Poet – A Conversation with his Daughter, Marie (ISBN-13: 978-0615889726, 554 pages, \$19.99) is available in paperback in English and Persian at www.amazon.com.

عبدالحاق بقایى پاميرزاد سويدن

هر که ناموزد ز درس روزگار
هیچ ناموزد زهیچ آموزگار
چند کلمهٔ دوستان ولی عربان با آقایان داکتر خلیل‌زاد وباری جهانی !

آن برادران محترم پیرامون اعمار خاقانه پدرمو لیناجلال الدین محمد بلخی (خلیل‌زاد اورا رومی گفت) نظریات مخالف در مطبوعات و رسانه‌های داخلی و خارجی ابراز کردند، یکی در کابل و دیگری در سفر به امریکا .

این حقیقت روشن وانکارناپذیر است که حضرت مولیناجلال الدین محمد بلخی از اوغانستان است ودرسین کودکی باپدرش وخانواده حین حملهٔ مغل، از آریانا-خراسان به کشوربرادر ترکیه نقل مکان کرده و جلال الدین ۱۳ ساله در آن سرزمین به بلوغ فکری رسیده وپیش یکی ازفرزانگان ملکو تی جهان مبدل گشته است، وافتنخار او به سرزمین بلخ و به افغانستان عزیز میرسد. این هم یک ارزش جهانی است که نواخ، فلاسفه وقهرمانان گیتی به هر کشوریکه تعلق داشته باشند سرمایهٔ معنوی بشریت امروز شمار میشوند و از همین جهت است یونسکو که شعبهٔ از سازمان ملل متحد است، نگهداری این میراثهای بشریت را بر عهده دارد واز آنها پاسداری و پاسباتی میکند تا ز نابودی درامان بمانند.

جان سخن اینجاست که این ذوات محترم و آگاه از مسایل جهانی در مصاحبات شان با مطبوعات خارجی و داخلی همانگونه که در بالا اشاره شد، عدم موافقت شانرا در مورد اعمار خاقانه پدرمولاتا توسط کشور دوست ترکیه صریحا اعلام کردند وعلاوه بر اینکه دوستداران وهوا خواهان آن حضرت رامتاثر ساختند، روابط دوستانهٔ دو کشور رانیز خدشه دار کردند، واین بانافع ملی افغانستان کاملا در تضادمیباشد. برای مزید معلومات ایندو شخص باید گفت همکارهای صادقانهٔ ترکیه برمی گردد به سالهای بسیار پیش آتیم در پیش نظامی وصحی، وزارت دفاع به کمک ترکیه بیایستاد، ارتش را آموزش داد، یکده افسران بورس های نظامی گرفتند واز آنطرف مجهز با اسناد ارکان حربی برگشتند، جنرال غلام علی پنجشیری، جنرال سعید گلپهار وغیره، در پیش صحت عامه نیز شفاخانهٔ علی آبادآباد گشت، نام سناتوریم رفقی ییگ هنوز در گوشهٔاطنین می اندازد. در رشادهنوموسیقی نیز ترکیه مارا کمک کرده و روابط دو کشور در طول تاریخ همیشه حسنه بوده است .

باید اذعان کرد که کار اعمار و ترمیمات بناها، قصرها و باغهدر کشور ما تاریخ روشن دارد، شاه تر قیخواه (بابر) به این امر توجهٔ بیشتر داشت و امیر مستبد عبدالرحمان خان نیز درین زمینه کارهای مفیدی انجام داده است، اما سو گمندان از بدو ایجاد و تالیس کشور بیام افغانستان نه تنهاهیچ توجهی به حال دودمان شریف مولانا وسایر اسطوره های فکری کشور ما چون ابو نصر فارابی، ظهیر الدین فارابی، ناصر خسرو وده هاوصدا عالم و متفکر دیگر بعمل نیامده ودانشمندان معاصرمانیز به فراموشی سپرده شده اند، اما بنام برادران پشتون پروژه های عالی به صورت منکر در ایجاد مختلف ثبت شده که بعیادتو و کم بینی رانشان میدهند و وحدت ملی را خدشه دار میسازد ونفرت و بدبینی رامیان اقوام می کارد. هیچ بازخواستگری در طی دوصد و پنجاه سال دیده نشد که به اصلاح این زور گویی پیردازد وتعدل ومسوات رابرقرار سازد، برعکس یکده عناصر فاشیست از زوی کینه ونادانی وفرط تعصب مثل عبدالکریم خرم وجیمه خان همدرد ودیگران، آن فرز انگان رایگانه شمرده وازهیچ نوع تحقیر واهانت در موردشان خودداری نمی ورزند.

ولی از همین دیار و از سرزمین بلخ فرز انگان دیگری برخاسته اند که امروز منار یادگاری را در آن سرزمین بنام محمد گل خان مو مند بنا کرده اند و از آن پاسداری ون نگهداری هم میکنند، بین تفاوت ره از کجاست با به کجا !
عامل مهم دیگری که باعث عقب مانی خجالتیار کشورها و کشورهای مشابه وابسته به استعمار واستعمار در طول تاریخ شده، همانا موجودیت سلاطین، شاهان وامیران مفتخور، مزدور و کاسه لیس ویی خاصیت می باشد که افراد بی جانی دردست بداران شان بیش نبوده ونیستند. اینها برای دوام وقای سلطهٔ نامشروع شان پیوسته جانب عقبگرایان را التزام کرده بامدربیزه و پیشرفت وترقیات امروزی پشت کرده اند و هر پدیدهٔ نو ظهور را در نطفه خاموش ساخته اند . درینجا برای ثبوت قول مابه یک رخداد تاریخ در کشور بالا کشیدهٔ ما میبردایم و توجهٔ این دوشخص مشارالیه را بدان معطوف میسازیم. خیلی جالب وغیر قابل باور است و استخوانسوز، مگر همین ملت صبور، شکبیا وقهر مان است که در برابر چنین مصایب پیوسته سینه سپر کرده وبا بیگانگان ویگانه برستان دست و پنجه نرم کرده است. نویسندهٔ فرزانهٔ کشور دا کتر اکرم عثمان در مجلهٔ وزین فردا مقالهٔ طویل، مستند ومبسوطی نوشته که در اینجا به یک بخش آن اشاره میشود :

«... به حوالهٔ شادروان میر محمد صدیق فرهنگ در تاریخ افغانستان در پنج قرن اخیر، وکیل حکومت هند بر تانوی در گزارش مورخ ۳۱ جنوری ۱۸۶۸ به دولت متبوعش مینگارد: یک سیداستانبولی از چندی به اینطرف در کابل میباشد، او میگوید که برای تفریح در ضمن مسافرت های خود بکابل آمده واز طرف امیر محمد اعظم خان برای مشورهٔ خصوصی پذیرفته میشود و بعد از فتح کابل توسط امیر شیرعلیخان، او توسط سردار غلام محمد خان قندهاری به امیر مکتوب فرستاده و در آن ذکر کرده که: حالا یکماه از وعدهٔ شما میگذرد اما برای تالاحال کدام وظیفه و کار تعیین نشد. معلوم میشود که شما هم مثل اعظم خان وعده خلاف هستید. بمن اعتماد ندارید بگوید زیر اهما ن نوازی به هفته می باشد نه به ماه، او که حاتم طائی نیست.
!«بالاخره مرحوم فرهنگ نتیجه میگیرد... سید در ایام اقامت خود در کابل به سیداستانبولی یارومی شهرت داشت و بعنوان یک نفر خارجی حتی نمایندهٔ کدام کشور خارجی) شناخته میشدنه بعنوان یک نفر از اتباع امیر افغانستان، زیرا اگر چنین نمی بود امکان نداشت که وی دوفرنز مامدار را در یک نظام مطلقه و خود کامه به لحنی که دیدیم مخاطب ساخته وعده خلاف بنامد و آناه به اخراج او از کشور اکتفا کنند. اساسا در آن زمان هیچ فردی از افراد ملت اجازه نداشت تا به شاه وقت نامه بنویسد و یا به امور کشور وسیاست به او پیشنهاد بدهد چه رسده انتقاد واعتراض...»

اینک بدنبال این واقعیت تاریخی، تاریخ را بازم ورق میزنیم ونظر دانشمندان تجیه را پیرامون کاربرد کلمهٔ (رومی) روشن میسازیم. در صفحهٔ کتاب (راه نیستان) منتشرهٔ سفارت افغانستان در ترکیه به نگارندگی محترم قیوم ملکزاد چنین آمده: (... اصطلاح رومی اساسا یک کلمهٔ استعماریست و تقریبا از اواخر قرن چهارم م پس از مرگ تیوسیوس اول، بوجود آمده و آن به زمانی اطلاق میشود که رومی هابرتخشیهای از ترکیه امروز بشمول استانبول یا اسلامبول سیطره یافتند و امپراتوری خود را بدو بخش

Omaid Weekly

The Most Widely Read Afghan Publication in the World

Volume 25, Issue No. 1021 , July 5, 2016, ISSN 1098-8777

Founder, Publisher & Editor-in-Chief: Mohammad Qawi Koshan
P.O. Box 30818, Alexandria, VA 22310 U.S.A.

Tel/fax:(703) 491-6321 Cell:571 435 4604
Email : mkqawi471@gmail.com

خاطرات استادان وشاگردان

لیسهٔ عالی حبیبیه

بزودی کتابی شامل تاریخچه وخاطرات استادان و شاگردان لیسهٔ عالی حبیبیه همراه باعکسهای تاریخی به چاپ می رسد. علاقمندان لطفاً هرچه زود تر شرح حال وسرگذشت وخاطرات خود را به آدرس هفته نامهٔ امید ویا ایمیل ذیل تا آخر ماه دسمبر ۲۰۱۶ ارسال دارند.

تلفون ۰۵۷۱-۴۳۵-۴۶۰۴ _
mkqawi471@gmail.com
Omaid, POBox 30818, VA 22310 USA

PHONE # (510) 792-2629	BANK OF AMERICA	ACCT # 06636-74303
خانواده های فقیر و بی پناه در افغانستان چشم براه کمک های شما هستند.		
		PANAH CHARITY P.O.BOX 3131 SAN RAMON, CA 94583 www.panahcharity.org rbenish@panahcharity.org 501c (3)

(دنبالهٔ خبر افتتاح تلویزیون پیشگام از ستون دوم صفحهٔ اول)
تلویزیون پیشگام برنامه های راز پر نام دنیای در خانه های شما ، بررسی ونگاه ژرف به ثقافت وفرهنگ اسلام، کپها پیشگام اند ؟ اندیشه های برتر ، بزرگترین مناظره مردمی در افغانستان ، از کجا باید آغاز نمود دولت باملت ؟ کابلستان ، خانواده من معرفی دنیا از دید عمیق پیشگام، زیبا بیهای زندگی را در صبح پیشگام تجربه کنید ، آینه برای وضعیت زنان در افغانستان در کنار سایر برنامه ها رانشیر میکند.

با موزیم آنلاین آشنا شوید

۲۵جون/کابل – باختر:موزیم آنلاین که توسط داکتر کمال سادات سرپرست وزارت اطلاعات وفرهنگ ، افتتاح شده، هنرمندان میتواند آثار تصویری و تجسمی خویش را از این طریق به نمایش بگذارند.
با ایجاد این موزیم آنلاین آگاهی مردم از میراث های فرهنگی کشور ، دسترسی به اسنادهنری، معلومات درباره فرهنگ وتمدن افغانستان، آگاهی افغانها از آنچه بوده اند، آنچه هستندو آنچه میتوانند باشند افزایش مییابد .از جانی هم احساس متنوع فرهنگی مشترک با کاربرد این موزیم افزایش می یابد و راه به سوی چند فرهنگی و هم دیگر پذیری به صلح جهانی خود باوری وشگوفایی باز میشود.

حکومت بابرنامه در نشست وارسا اشتراک میکند

۴جولای/کابل — تلویزیون نور:حکومت افغانستان با یک برنامه منظم تهیه شده در نشست وارسا اشتراک میکند مشاور امنیت ملی ریاست جمهورمیگوید درین برنامه مسایل امنیتی سیاسی اقتصادی واجتماعی گنجانده شده ودر نشست وارسا با کشورهای عضو ناتو و کشورهای کمک کننده به افغانستان شریک ساخته میشودو حکومت درین نشست با دستاورد های خوبی اشتراک خواهد کرد.

قرار است تا کمتر از یک هفته نشست سران ناتو در وارسا برگزار شود.
محمدحنیف اتمر میگوید برای این نشست برنامه منظم را زیرنام ” افغانستان وجهان دیروز اموروز وفردا تهیه کرده که شامل مسایل امنیتی سیاسی اقتصادی و اجتماعی میشود. در این نشست انتقال امنیتی انتقال سیاسی چگونگی اصلاحات انتخاباتی پیشبرد صلح ومصلحه ومشکلات اقتصادی در دوسال گذشته در نشست وارسا مورد بحث قرار می گیرد.

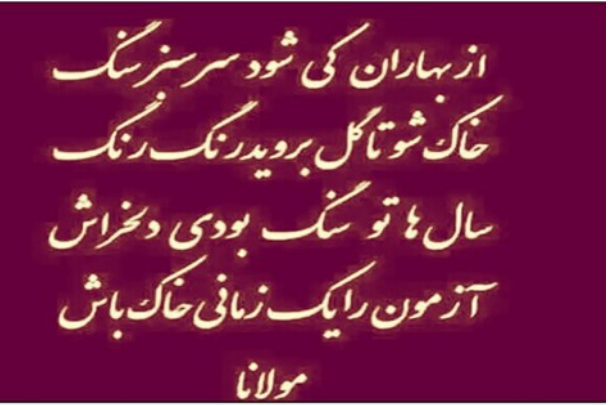
قرار است در نشست وارسا به اضافه اعضای ناتو شماری دیگر از کشور های کمک کننده به افغانستان نیز اشتراک کنند حکومت امیدوار است تا بتواند در این نشست حمایت نظامی اقتصادی وسیاسی جامعه جهانی را برای دراز مدت در امر مبارزه با تروریسم به دست آورد.

جنگ در ولسوالی حصارک شدت گرفت

اول جولای/ننگرهار – صدای امریکا: در کناردر گیربهای تازه در حصارک، در ولسوالی کوت ننگرهار نیز نیروهای امنیتی افغان با افراد داعش در گیر جنگ اند.

سخنگوی والی ننگرهار گفت از بیست وچهار ساعت گذشته به این طرف، نیروهای امنیتی افغان در مناطق کوهستانی ولسوالی حصارک با طالبان شدیداً درگیراند. در نتیجهٔ حملات هوایی بر مواضع طالبان و درگیری ۳۲طالب کشته شده و دوسرباز افغان جان باخته اند.اوشمار زخمیان طالبان را ۵۴۰ از نیروهای حکومتی را ۱۳ تن شمرد.

ذبیح‌الله مجاهد سخنگوی طالبان میگوید در نبرد حصارک، سه فردشان کشته شده و شماری هم زخمی اند. یک مقام امنیتی محل گفته که اگر نیروی تازه نفس به میدان نبرد نرسد، ممکن وضعیت بیشتر از پیش وخیم‌تر گردد.



شرقی و رومی – غربی – نامگذاری نمودند... نابراین مهاجرت واقامت خانوادهٔ مولاتا در ترکیه هیچ ربطی به روم و رومی ندارد، زیرا :

اولا مولینا حین خروج از سرزمین آرایش بلخ برین ۱۳سال عمرداشت و تقریبا پسر جوانی بود، یعنی اینکه زادگاه ومحیط رشد وتربیت او همان شهربلخ است نه جای دیگر. دوما: مولینادر معیت پدر و خانواده اش سالهای زیادی را در شام، حلب، سوریه، عراق وعربستان گذرانده و از زیستن در سایهٔ حکومت (بیزانس) ویاروم شرقی ابا ورزید... در اخیر خواهش شده تاهموطنان از کاربرد کلمهٔ (رومی) در بپلوی نام حضرت مولینا خودداری فرمایندویجای آن واژهٔ (بلخی) را بکار گیرند تا هم خرما وثواب هر دو بدست آید.

دریایان گفتار بالا، تذکرفته که در یک روزی در یک مجلس در سفارت ترکیه بشمول جناب عبدالله گل رییس جمهوروقت ترکیه، این بحث بالاگرفت و او از جناب مسعود خلیلی سفیر افغانستان خواست تا از آوردن کلمهٔ رومی در کنار نام مولینا خودداری فرمایند.

پاورقی: ۱- مقالهٔ داکتر اکرم عثمان که خیلی مستند ومطول است بنام پاکر اذ کابلی در شمارهٔ پنجم سال اول سال ۱۳۷۶ مجلهٔ فردا . ۲- در آن مقاله از دانشمندان مشهور ایران چون عبدالکریم سروش ودیگران نیز نام برده شده که سیدجمال الدین افغانی را بابه گذار مهم اندیشهٔ تجدد در جهان بخصوص در شرق معرفی کرده اند واز مشکلاتی که سلاطین صفوی براو در ایران خلق کرده اند سخت نکوهش بعمل آمده است.

۳- کمکهای کشوربرادر ترکیه به افغانستان طی سالهای اخیر از طرف من الشمس است، ضرورت به تذکار وتکرار ندارد. ترکیه به همه مسلمانان اهل سنت در جهان مساعدتهای نقدی میکند و در امور فرهنگی پیشقدم است. پیدوار ترکیه در سراسر جهان صادر میشود . ۴- اما افغانستان به همکاری با کستان تروریسم را به جهان ار مغان داده است وخواب را بر مردم جهان حرام ساخته است. این افتخار! بیشتر به آقای کرزی میرسد که بیحث پدر طالبان در سطح ملی و بین المللی لقب یافته است!
نوت: ۱- کلمهٔ افتخار را به (لکهٔ بدنامی) تبدیل میکنیم. ۲- پروژه های مفید وماندگار ترکیه در ایجاد ساختمانی عرفانی، دینی از ولایت بلخ گرفته تا کابل، هرات وسایر نقاط کشور ادامه دارد. مسجذبزرگ در شهر مزارشریف وپل جدید بمحمودخان در کابل ومکاتب افغان – ترک از نمونه های آنست. /

روژه مضر نیست (دنباله از صفحهٔ هفتم)

خون کمی زیادت رخ میدهد. در اخیر رمضان مادر شیر دهندهٔ که روزه دار بوده است، بطور اوسط در حدود یک کیلو گرام وزن میگیرد(۱۴،۱۵). روزهٔ ماه مبارک رمضان بر immune complex یا مغلق معافیت کدام تأثیر منفی ندارد(۱۶).

اگر روزه با شرایط آن تعقیب شود و از پر خوری بیجا صرف نظر شود، مردها ۲.۲ کیلو گرام و خانمها ۲.۱ کیلو گرام وزن مییازند(۷،۱۷). تنها یک اثر از عربستان سعودی ازدیاد وزن را در اخیر رمضان را پور داده است (۷،۱۸) (متیقمن که دلیل آن پر خوری افراطی شان است، دستگیر). این تقیص وزن در ابتدا از باعث کسی آب و در آخر رمضان از سبب ضیاع شحم که جهت تولید انرژی بمصرف میرسد بعمل میآید(۱۸). همچنین گفته شده است که اشخاص فربه نظر به اشخاص نورمل و کم وزن زیادت وزن مییازند. ولی بروز ۲۰ ماه اگست سال ۲۰۰۷ باستن گلوب نوشت: نادراً رمضان در وزن بدن انسان تغییراتی وارد میسازد (۹).

۲- تأثیرات سایکولوژیک روزهٔ ماه رمضان: در اثر مطالعاتیکه در استانبول ترکیه بعمل آمده به این نتیجه رسیده اند که: (در ماه مبارک رمضان کدام تغییرات سایکولوژیک دیده نشده است.

اشخاص سالم، رمضان را بدون کدام زحرت و تکلیف پذیرفته در حالی که معتادین سگرت، چای و کافی بی حوصلگی، زودرنجی و تحرشیت نشان می دهند(۱۸). ایرانی ها که در وبیسایت خود و ذکر دیگران که از بی حوصلگی وزودرنجی روزه داران را راپور داده اند ، ممکن هدف شان همین گروپ بوده باشد(۳)

برای مطالعهٔ عادت خواب در ماه رمضان، دیپارمنت فامیلی پرکس دانشگاه ایالات متحدهٔ عربی نزد محصلین طب عادت خواب شانرا هنگام روزه داری مطالعه کردند و به این نتیجه رسیدند که: scoreخواب در مدت قبل از رمضان، هنگام رمضان و بعد از رمضان کدام تغییر فاحش نشان نداد. ساعات خواب قبل از رمضان دراز تر از ماه رمضان دریافت شد (۱۹).

سکور خواب آنست که اگر خواب قبل از پنج صبح صورت گیرد خواب مربوط روز قبل میشود و اگر بعد از پنج صبح صورت گیرد مربوط همان روز میشود. محصلین کمبود خواب خود را با یک ساعت دیر تر خواب تلافی نمودند. در افغانستان کارهای دولتی وقت تر شروع و وقت تر ختم میشد که برای استراحت و دیگر امور وقت کافی میسر میساخت.

تأثیر تغییرات روشنی و تاریکی را که مسلماتها در ماه رمضان آشنا اند، در سفرهای طویل و گذر از تایم زوهای مختلف، کمتر نا آرامیهای Jet Leg را تجربه میکنند(۲۰).

(دنباله دارد)